

دکتر بهرام امیراحمدیان
سفر به چین در ماه می ۲۰۱۵
نسخه ویراستاری تیر ۱۴۰۱

در فوریه سال ۲۰۱۵ هنگامی که من در تدارک سفر به حج عمره بودم، آقای شن شی، از منطقه خودمختار سین کیانگ چین به من نامه ای نوشت و در آن بیان کرد که یک نفر از ازبکستان مرا به او معرفی کرده است تا در کنفرانس جاده ابریشم شرکت کنم. من دعوت او را پذیرفتم. ولی از برای آنکه پاسپورت من باید ۴۵ روز پیش از سفر به عربستان در سفارت می ماند، بنابراین من نتوانستم در آن کنفرانس که در شهر شیان پایتخت قدیمی چین برگزار می شد، شرکت کنم.

در همین زمان از طرف وزارت امور خارجه نیز به عنوان عضو ناظر بین المللی انتخابات ریاست جمهوری در ازبکستان نیز در نظر گرفته شده بودم که آن هم به همان دلیل امکان پذیر نبود. آقای شن شی برای نوشتن حاله که نمی توانم در کنفرانس جاده ابریشم در شیان شرکت داشته باشم، در کنفرانسی که در ماه می برگزار می شود از من دعوت خواهد کرد. من هم پذیرفتم. چندین بار مکاتبه شد، تا اینکه زمان سفر نزدیک شد و من با دعوت نامه ای که به زبان چینی فرستاده بودند، به سفارت چین مراجعه کردم.

من به دعوت مرکز پژوهشی خاورمیانه سین کیانگ برای شرکت در میزگرد جاده ابریشم دعوت شدم تا ضمن بازدید از منطقه سین کیانگ در هیجدهمین کنفرانس بین المللی «همایش اقتصادی و تجاری جاده ابریشم»، به نام «هیجدهمین نمایشگاه بین المللی سرمایه گذاری و تامین منابع چونگقین در ۲۰ می ۲۰۱۵» شرکت کنم.

The 18th China Chongqing International Investment and Global Sourcing Fair(CCISF)

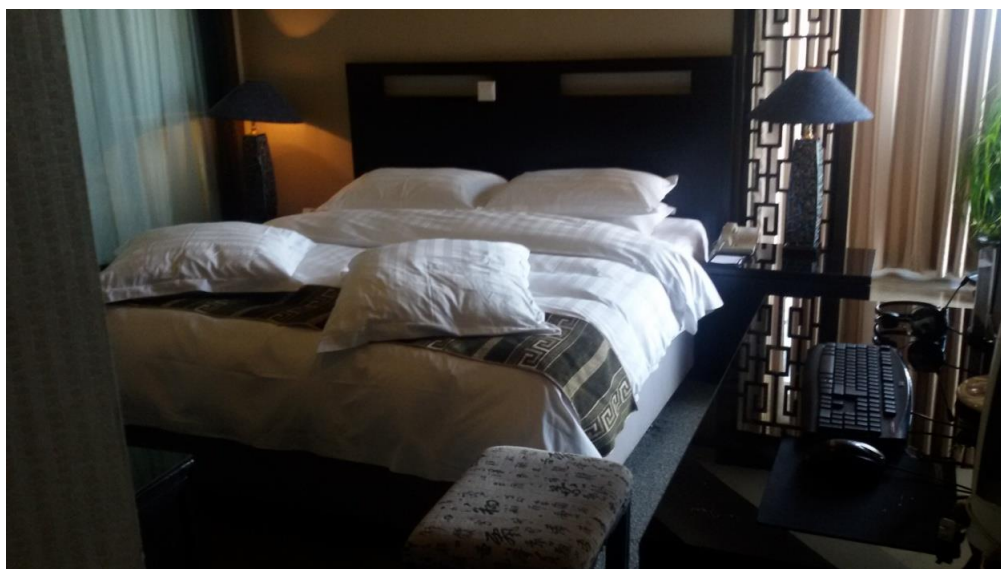
با مراجعه به یک آژانس مسافرتی با پراخت ۱۵۰ دلار در طی ۴ روز ویزای چین دریافت کردم. با دریافت ویزا و بلیت سفر از شرکت هواپیمایی Southern China Airlines روز دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۹۴ برابر ۲۵ ماه می ۲۰۱۵، ساعت ۸/۳۰ صبح با هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ مدل جدید، در ردیف جلو به سوی ارومچی پرواز کردم. ساعت ۷/۳۰ صبح به وقت محلی به ارومچی رسیدم. فرودگاه ارومچی خیلی بزرگتر از فرودگاه بین المللی تهران است و ۵۰ گیت پروازی دارد. این فرودگاه بسیار پاکیزه و زیباست.

در فرودگاه از من استقبال کردند و مرا به هتل محل اقامت رساندند.



مرکز شهر ارومچی

در هتل «Yema Desert Silk Road Inn» در منطقه صنعتی ارومچی در یک سوئیت بزرگ و زیبا جای گرفتم. این هتل در خیابان Kunming قرار دارد. در نزدیکی هتل کنسولگری قزاقستان واقع شده است.



یک روز بعد از ظهر گشتی در شهر زدیم. به یک معبد چینی رفتیم. از داخل آن بازدید و چند عکس گرفتم. در پیرامون معبد، مجموعه‌ای فرهنگی و پارکی بسیار زیبا با سنت‌های چینی بود. این

پارک بر فراز تپه‌ای قرار دارد. از فراز تپه تمام شهر دیده می‌شود. در مرکز شهر ساختمان‌های بلند، شبیه آنچه در دویی دیده می‌شود، سر برافراشته‌اند. در شهری واحه‌ای همچون ارومچی، انتظار می‌رود که فضای جغرافیایی آن خشک و بی‌روح باشد. ولی برخلاف این تصور، شهر سرسبز است و فضای سبز و پارک‌های زیادی دارد. از فراز این تپه شهر و فضای سبز آن بیننده را شگفت زده می‌کند. بر بالای تپه بنای یادبودی نصب شده و در زیر آن نوشته شده است:

قیزیل تاغ مونا ری (منار کوه سرخ)

این بنای یادبود فرهنگی از سوی حکومت خلق شهر ارومچی در ۴ آوریل سال ۲۰۰۳ گشوده شده است.



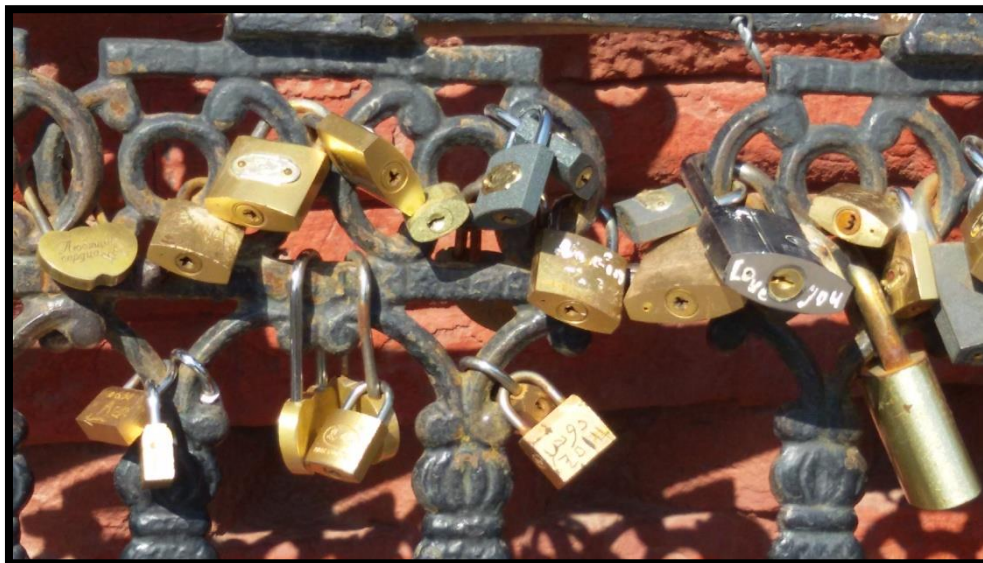
شرح روی لوحه سنگی به زبان اویغوری:

ئورومچی شه هر لینیك خه لق هو كومتی ۲۰۰۳ ئیلین ۴ ناینیک ۴ گونی ئیلان قیلغان

ئورومچی شه هر لینیك خه لق هو كومتی ۲۰۰۶ ئیل ۹ ئايندا توغوزدی

خ

تعداد زیادی دختر و پسر جوان از این یادبود بازدید و دخیل می‌بندند.



شهر ارومچی پایتخت منطقه خودمختار سین کیانگ او یغور (که به زبان اویرات به معنی چراگاه زیباست) بزرگترین هاب جاده ابریشم در دوره فرمانروای سلسله تانگ در چین بوده است و در دوره سلسله قینگ به توسعه رهبری فرهنگی و مرکز تجاری دست یافت.
بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۰ این شهر ۳ میلیون نفر جمعیت داشته است. شبکه خیابان‌های وسیع

(و گاهی شاهراه‌های دو طبقه) پل‌های عظیم، شاهراه‌های پهن و گسترده و خیابان‌های تمیز، با تابلوها و علائم نوشته شده به دو زبان چینی و اویغوری (با الفبای فارسی) از ویژگی‌های شهر است. در پیرامون هتل مجموعه‌ای فرهنگی و ورزشی است که در آن مجموعه‌ای از رستوران‌های سنتی و چینی، موزه مردم‌شناسی، تالارهای سخنرانی و اجرای نمایش و دیگر امکانات و تجهیزات فعالیت دارند. در گوشه‌ای از محوطه ورزشی پشت هتل، ورزشگاه و مانژ اسب‌سواری است. در آن اسب‌های گوناگون، از جمله اسب «پرژوالسکی»^۱ پرورش داده می‌شود.



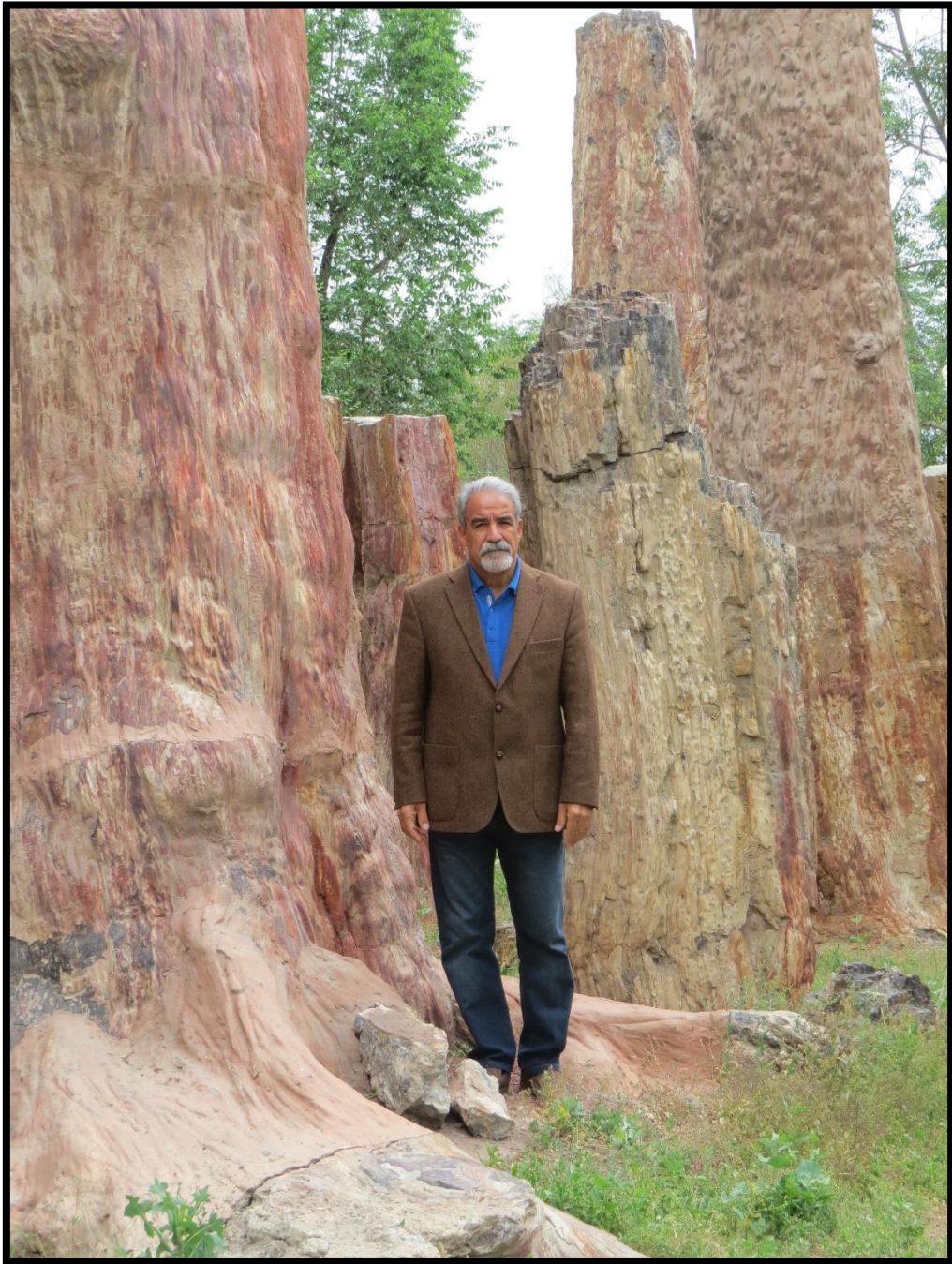
در حیاط و در فضای باز موزه‌ای از شهاب‌سنگ‌های عظیم، به همراه فسیل درختان قطور گاهی به قطر بیش از یک متر و بلندی تا ۵ - ۶ متر قرار داده‌اند. این درخت‌های سنگ شده بر هیبت و ابهت

^۱ همچنین اسب وحشی مغولی یا اسب جونگاریا نامیده می‌شود، اسبی نادر و در معرض خطر است که اصالتاً بومی استپ‌های آسیای مرکزی است. این نام از جغرافی نویسنده و کاشف روسی *Nikołaj Przewalski* گرفته شده است. هنگامی که این موجود وحشی در معرض انقراض قرار گرفت، آن را دوباره در دهه ۱۹۹۰ به زیستگاه بومی خود در مغولستان به پارک ملی خوستین نورو، ذخیره گاه طبیعت تاخین تال، و خومین تال، و همچنین چند محلی دیگر در آسیای مرکزی و اروپای شرقی نگهداری می‌کنند.

مجموعه افزوده‌اند. در گوشه‌ای دیگر خانه‌های سنتی چینی ساخته شده است. در یک محوطه مخصوص، پتروگلیف‌های پرشمار و سنگ‌مزارهای مردم چین و مغولستان به نمایش گذاشته شده است.



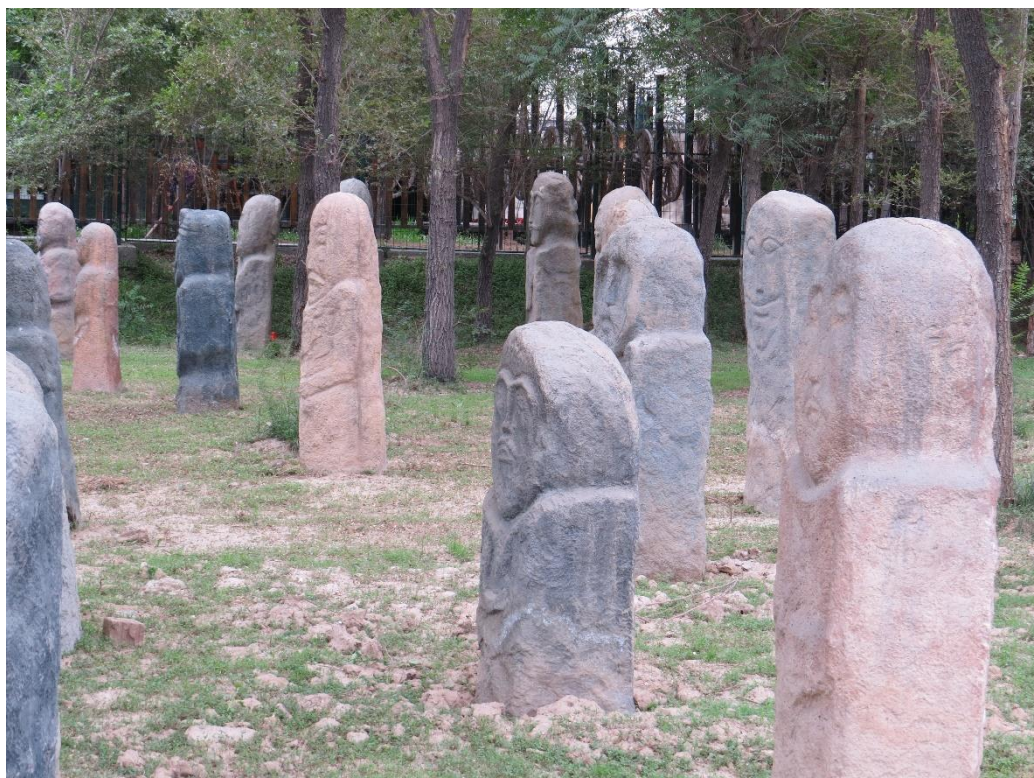
تصویری از درختان فسیل شده



در پای درختان فسیل شده در ارومچی سین کیانگ چین می ۲۰۱۵



در کنار یکی از پترو گلیف‌های پرشمار در موزه باز سین کیانگ



در محوطه بزرگ، درختان بید کهنسال و کنده‌های درختان بید در اشکال عجیب و گوناگون به نمایش گذاشته شده است.

در چایخانه‌ای سنتی چینی، نشستیم و چای سنتی چینی به سبک خیلی زیبا برای ما آوردند و از ما پذیرایی کردند. این پذیرایی طی مراسمی خاص صورت گرفت که بسیار دیدنی بود. در موزه مردم‌شناسی، ابزار و آلات تولید سنتی، دستگاہهای بافندگی، لوازم خانه و ادوات کشاورزی و تولیدات روستایی، به نمایش گذاشته شده بود. همه این مکان‌ها دیدنی بود. من از اینکه توانستم از این مجموعه کم‌نظیر دیدار داشته باشم بسیار خوشحال شدم. در اصطبل پرورش اسبان پرژوالسکی نوشته بود که این اسب ۶۰ میلیون سال پیش پا به عرصه وجود گذاشته است. اسب آخال تکه و اسب فرغانه نیز موجود بود.

صبحانه روز اول ورودم را در همان هتل همراه خوردم. از بوفه‌ای که بسیار غذاهای متنوع در آن بود، بشقاب را پر کردم و برای نخستین بار چوب‌های مخصوص چینی برای غذاخوری را برداشتم و تقریباً توانستم غذا بخورم. پس از صبحانه به اتاقم رفتم تا خستگی سفر از تن بدر کنم. تا ساعت یک روی تخت دراز کشیده و کمی خوابم برد. اینترنت هتل بسیار ضعیف بود و فیلترشده. ترجیح دادم از آن استفاده نکنم.

سوئیتی که در اختیار من گذاشته‌اند پشت به خیابان اصلی است و رو به باغ مجموعه ورزشی و نمایشگاهی دارد. سوئیت همه امکانات را داراست. اتاق خواب و پذیرایی جداگانه‌ای دارد. سرویس بهداشتی آن بسیار زیبا، شیشه‌ای و پاکیزه است و وسایل ضروری در آن مهیاست. تا ساعت یک در بستر دراز کشیده و آسودم. سپس بیرون رفتم. در نزدیکی هتل یک غذاخوری مسلمانان بود. به آنجا رفت و برای ناهار چلوگوشت پر و پیمانی برایم آوردند.

پس از خوردن ناهار به هتل برگشتیم. مسئولان میزگرد شب مرا به یک رستوران سنتی و بسیار مجلل چینی بردند. در این رستوران که به سبک سنتی و چینی آراسته بودند، برای شام سفارش «اردک چینی» دادند. اردک چینی خوراک تشریفاتی است.



دو نفر گارسن که لباس سفید پوشیده و ماسکی بر دهان داشتند و کلاه سفیدی بر سر، همراه گاری دستی که وسایل پذیرایی بر روی آن چیده بودند به کنار میز ما آمدند. مخلفات شام را روی میز چیدند و سپس یک عدد اردک کباب شده در تنور را برداشتند و با تشریفات خاصی گوشت آن را نوار نوار جدا کرده و بر روی بشقابی چینی، که یک سر آن کله اردک بود، مرتب چیدند. پس از پایان کار و آماده سازی بشقاب پر از گوشت کبابی اردک، آن را روی میز گذاشتند. چند نوع سوپ و سالاد، یک ظرف نان برنجی به قطر حدود ۱۵ سانتی گراد، از جمله محتویات میز بود. در ظرف چوبی نان برنجی نانهای همچون لوازش دایره ای را روی هم انباشته بودند. قطر نانها خیلی کم بود و نازک و نان شفاف به نظر می رسید. گوشت اردک را در نان برنجی (لواش) می گذاشتیم، سس به آن می افزودیم و سالاد و سبزیجات بدان اضافه کرده و نان را لوله کرده و می خوردیم. تشریفات دیدنی داشت.



پس از صرف شام مرا به هتل آوردند و من برای استراحت به اتاقم رفتم. در این اتاق کتاب بزرگ و سنگینی به ابعاد 60×60 سانتی متر با جلد گالینگور بود که روی آن به چند زبان نوشته شده بود «جاده ابریشم». کتاب در حدود ۲۰۰ صفحه با کاغذ کلفت و عکس‌های رنگی از نقاشی‌های زیبا داشت. از چندین صفحه آن عکس گرفتم. پس از آن مطالعه کرده و دیر وقت به خواب رفتم.

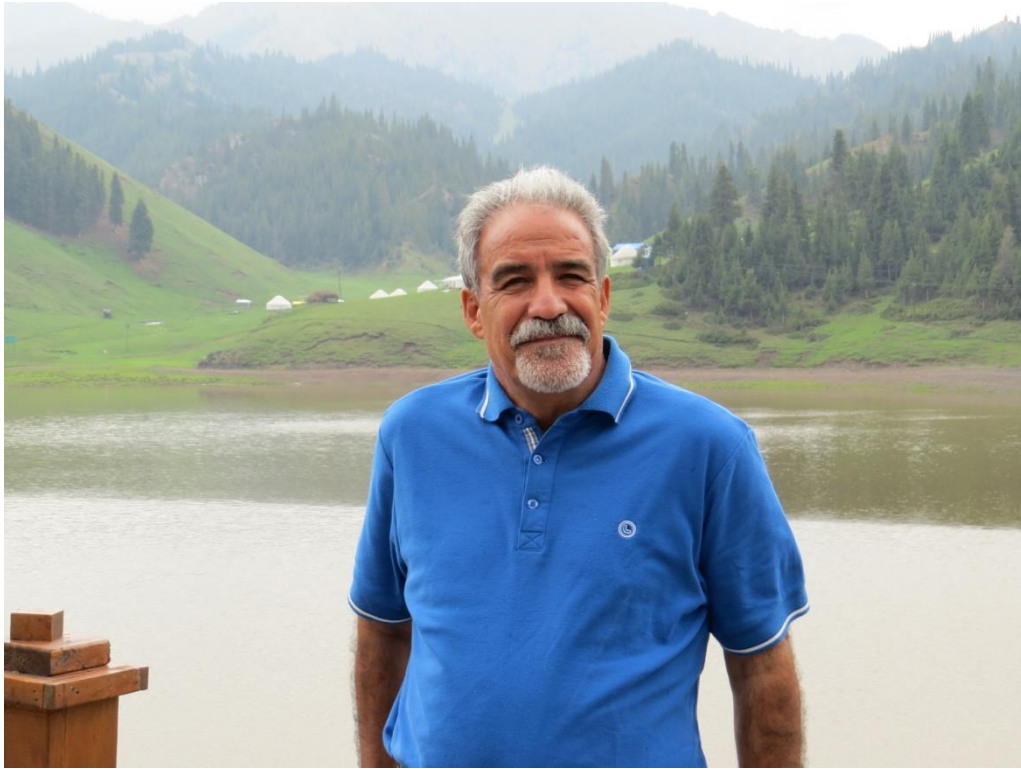
۲۷ ماه می

امروز ساعت ۱۱ صبح، طبق قرار قبلی به جلسه میزگردی رفتم که با شرکت ۴ نفر از کارشناسان چینی ترتیب داده شده بود. سه نفر از آنها استادان دانشگاه و کارشناسان آکادمی علوم اجتماعی سین کیانگ بودند. رئیس این آکادمی آقای دکتر میائو پوشنگ (Miao Pusheng) و نفر دیگر یینگ ژونگانگ (Ying Zhongan) کارشناس گروه مشاوران دولت سین کیانگ و یک نفر از آنها به نام خانم منگ یوینگ (Meng Yiuying) از مرکز مطالعات توسعه ای دولتی و مسلط به زبان انگلیسی بود و دو نفر دیگر به چینی بحث و گفت‌وگو کردند. درباره اهمیت ایران و نقش آن در جاده ابریشم در گذشته و نیز احتمال نقش آفرینی ایران در ابتکار جدید رئیس جمهور چین در زمینه «یک کمربند، یک راه» من مطالبی ارائه دادم و آنها را به این موضوع مهم توجه دادم که ایران می‌تواند پل ارتباطی چین با خاورمیانه و خلیج فارس باشد که ادامه جاده ابریشم جدید به سوی شرق مدیترانه را با گذر از عراق و سوریه ممکن می‌سازد. از یک سو خاورمیانه و ایران بازاری خوب برای کالاهای تولیدی چین و از سویی دیگر منابع تأمین کننده انرژی و مواد خام برای اقتصاد چین هستند که برای ادامه حیات اقتصادی نیاز به انرژی فسیلی دارد که خاورمیانه منبع اصلی و مهم تأمین این انرژی است.

در این جلسه برای نخستین بار شنیدم که یکی از دو کارشناس چینی (که هر دو نفر حدود ۷۰ ساله می‌نمودند) گفت که برای ارتباط چین با کشورهای غربی در طول جاده ابریشم، سغدی‌ها به عنوان رابط بین چین و غرب عمل می‌کردند. آنها به زبان‌های چینی و زبان‌های شرقی آشنایی داشتند. از آنجا که سغد در میانه این راه واقع شده بود، نقشی ارتباطی، چهارراهی و کلیدی داشت.

ناهار را در یکی از غرفه‌های پذیرایی هتل خوردیم. مهمانی مفصلی بود. ما شش نفر در آن سالن ناهار خوردیم و پس از صرف ناهار جلسه پایان یافت. در حقیقت ۵ سخنرانی بود که ۴ نفر چینی و من، در این میزگرد سخنرانی کردیم. آقای یانگ هم مترجم چینی، مطالب مرا از انگلیسی به چینی و مطالب آنها را از چینی به انگلیسی ترجمه می‌کرد.

پس از اندکی آسودن در اتاق، به لابی هتل آمدم و با برنامه‌ای که برای ما تدارک دیده بودند، من و خانم منگ یوینگ و مسئولان چینی به جنگل‌های تیان‌شان رفتیم که در مسافت حدود ۲ ساعت رانندگی بود. آقای چن شی رانندگی اتومبیل را برعهده داشت. در بین کوه‌های تیان‌شان، **جنگل‌های انبوه از سوزنی برگ‌ها سر برافراشته بود.** رودخانه‌ای و دریاچه‌ای هم در آن حوالی خودنمایی می‌کرد. هوا سرد بود. جنگل کوهستانی در این فصل سال که در جاهایی برف هنوز ذوب نشده بود، نمایان بود. من که با خود بالاپوش نبرده بودم، با یک تی شرت آستین کوتاه، اندکی احساس سرما می‌کردم. در دور دست‌ها، چادرهای گنبدی کوچ نشینان (یورتا) دیده می‌شد که به یورتای قزاق‌ها می‌مانست. پس از اندکی گردش و قدم زدن، در فضای خنک، زیبا و دیدنی، به یکی از یورتاهای کوچ‌نشینان رفتیم. عکس گرفتیم. در راه برخی نقاط مسکونی دیده می‌شد. در پیرامون این مناطق مسکونی، در کنار جاده، بساط فروشانی بود که قارچ وحشی خشک شده می‌فروختند. من خواستم که قارچ بخرم، مسئولان به گفتند که بهتر است از ارومچی بخریم.



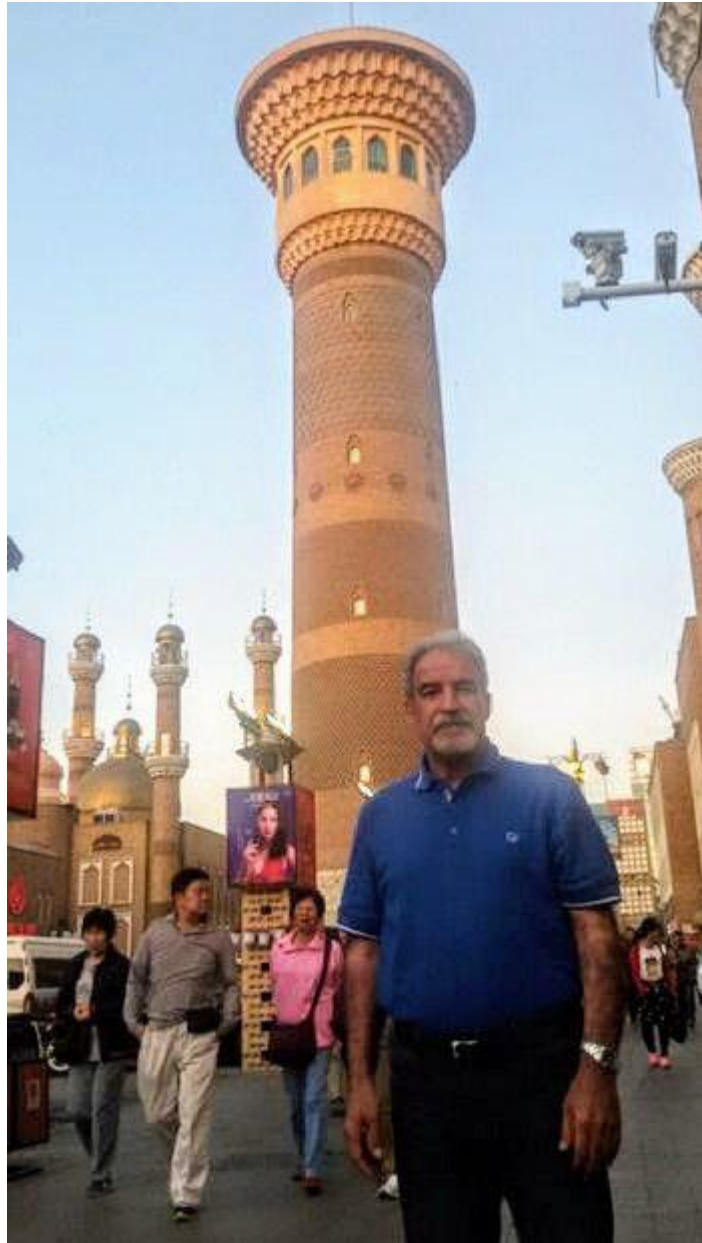
در ساحل دریاچه بهشتی در میان کوههای تیان شان چین

کنسرت

پس از گشت و گذار از آنجا به سوی شهر راندیم. با برنامه‌ای که داشتند، ما را به یک کنسرت رقص و آواز اویغوری بردند. سالن بزرگی بود که گنجایش حدود ۲۵۰ نفر تماشاچی را داشت. همه چیز به سبک و سیاق مسلمانان آسیای مرکزی بود. نوشته‌های اویغوری با الفبای فارسی بر در و دیوار و تابلوها دیده می‌شد. یک محیط اسلامی بود با سنت‌های چینی و اویغوری درهم آمیخته. در آستانه در ورودی، تعدادی نوازنده با تار و کمانچه در حال نواختن بودند. کنار آنها نشستیم و عکس گرفتم. سپس وارد تالار شدیم. در گوشه‌ای از تالار، غذاهای متنوع شرقی با ذبح اسلامی چیده بودند. شاید حدود ۱۰۰ نوع خوراکی از کباب، دلمه، کوفته، تا شیرینی و بستنی و چای و نوشابه و همین طور غذاهای متنوع چینی. پس از خوردن شام، کنسرت آغاز بکار کرد. به مدت حدود ۲ ساعت گروه گروه مردان و زنان اویغور با لباس‌های محلی رقص محلی و آواز اجرا کردند. چند تن از رقصه‌ها از صحنه پایین آمده و در بین جمعیت رقصیدند و آواز خواندند. این مدت شور و هیجان در تالار بود. البته بلیت نمایش هم گران بود. در این بخش از شهر که این تالار قرار دارد، یک مسجد بزرگ با مناره بلند قرار دارد و چندین مغازه عطاری و شیرینی‌فروشی و خوراکی‌پزی به سبک

شهرهای گردشگری و زیارتی شرق اسلامی قرار دارد. فضای کاملاً زیبایی در این بخش از شهر دیدم. بسیار لذت بخش بود این برنامه. پس از پایان برنامه مرا به هتل بازگرداندند.





روز ۲۸ ماه می ۲۰۱۴

پس از چاشت، به دیدار از پارک پشت هتل رفتیم. اینجا باشگاهی است که اعضاء می توانند از آن بهره ببرند. تعدادی از طبقه خاص و برخی خارجی ها، در حال قدم زدن و ورزش در این فضا بودند. امروز قرار است من برای سفر به شهر چونگ قین در جنوب چین بروم تا در کنفرانس سرمایه گذاری جاده ابریشم شرکت کنم. ترتیب سفر و شرکت در کنفرانس جاده ابریشم را آقای یانگ شی داده است. با آقای یانگ شی در آن شهر تماس گرفتم آنها دعوت نامه ای برای من فرستاده اند.

برای ناهار مرا به یک رستوران مسلمانان خویی‌ها (Khuyee) بردند. در آنجا تعداد زیادی از اویغورهای مسلمان و چینی‌های هان هم حضور داشتند. غذاهای خوبی داشت. سفارش ناهار داده شد. پیشخدمت‌های رستوران در لباس محلی اویغور، جلوه خاصی داشتند. نان اویغوری برای ما آوردند. بسیار خوشمزه بود و شبیه نان‌های ازبکی بود. میزبان من سفارش داد سه قرص نان (به قطر حدود ۳۰ سانتی‌متر) برای من آوردند. او گفت در چونگ‌قین نان یافت نمی‌شود زیرا مردم عادت ندارند نان بخورند و شما که نان دوست دارید، بهتر است این نان‌ها را با خود ببرید.

ساعت ۳ بعد از ظهر مرا به فرودگاه بین‌المللی ارومچی بردند. پرواز من با شرکت هواپیمایی چین جنوبی حدود ۴ ساعت طول کشید و ساعت ۷/۳۰ به این شهر بزرگ رسیدیم. هوا هم مه‌آلود بود و خورشید کم‌رنگ شده بود. در فرودگاه آقای یانگ‌شی Yang Xi که جوانی حدود ۲۷ ساله است همراه با دو نفر از دوستانش به استقبال من آمده بودند. یک جوان از دوستان یانگ‌شی به نام Zhang Lunguai رانندگی اتومبیل را برعهده داشت و آقای دکتر Sun Lizhou، استاد دانشگاه جنوب غربی چین (South-West University) از دانشکده علوم سیاسی و حقوق همراه آنها بود. یانگ‌شی زبان انگلیسی را در آکسفورد خوانده است و سون هم استاد دانشگاه است. استقبال خیلی صمیمی و مهربانانه‌ای از من داشتند. من احساس خوبی داشتم. هوا شرجی بود. از فرودگاه مرا به مرکز شهر آوردند و در هتل بزرگ هیلتون مستقر کردند. اتاق من در طبقه ۱۷ اتاق ۱۹ مشرف به جزیره‌ای است که از دو سوی آن رودخانه یانگ‌تسه و Yangtze و جیالینگ Jialing رواند و شهر در محل تلاقی این دو رود بزرگ ساخته شده است. این شهر در سال ۳۱۶ پیش از میلاد شکل گرفته، ۲۱ منطقه و ۱۷ ناحیه دارد.

منطقه چونگ‌قین دارای ۱۲۵۹ شهر، شهرک، قصبه و روستاست. مساحت محدوده شهرداری ۸۲۴۰۳ کیلومتر مربع و مساحت قلمرو شهری ۵۴۷۲ کیلومتر مربع است. در ارتفاع ۲۳۷ متری واقع است. جمعیت حوزه اداری شهرداری آن در سال ۲۰۱۵ برابر ۳۰/۱۶۵/۵۰۰ نفر بوده است. تولید ناخالص داخلی این شهرداری بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار است. این شهر پنجمین شهر مرکزی چین است. از نظر اداری یکی از چهار شهرداری‌های تحت اداره مستقیم است. (سه شهر دیگر عبارتند از: بیجینگ، شانگهای و تیان‌جین) و یک شهر دارای حکومت محلی در دل کشور است. این شهرداری در ۱۴ مارس ۱۹۹۷ تأسیس شده است، که در آغاز تحت اداره استان سیچوان بوده است. صبح روز ۲۹ ماه می طبق قرار قبلی باید در ساعت ۷ در سالن غذاخوری هتل صبحانه می‌خوردم و

در ساعت ۷/۵ اتوبوس حرکت می کرد. درست ساعت ۷/۵ یانگ شی آمد و با هم سوار اتوبوس شدیم. نام کنفرانس به زبان انگلیسی به شرح زیر بود:

The ۱۸th China Chongqing International Investment and Global Sourcing Fair(CCISF)

در برنامه افتتاحیه همایش اقتصادی و تجاری جاده ابریشم، به نام «هیجدهمین نمایشگاه بین المللی سرمایه گذاری و تامین منابع چونگقین» در ۲۰ می ۲۰۱۵، شهردار چونگقین سخنرانی دقیق و ماهرانه و علمی و فنی ایراد کرد. این سخنرانی اهداف این همایش و آینده سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی منطقه را به تصویر می کشید. آینده نگری و برنامه های توسعه ای بسیار دقیقی ترسیم کرده اند. از اینکه دولتمردی چنین با مهارت همه زوایا و اهداف برنامه ریزی و استراتژی توسعه منطقه چین را، موشکافانه مورد بررسی قرار می داد همگان را به شگفتی واداشته بود. یک مرد آمریکایی از مهمانان طراز اول، در ردیف جلو در بخش وی آی پی روی مبل لم داده بود و اصلاً به سخنرانی توجه نمی کرد و فقط با موبایل خود مشغول بود. رفتار او خیلی اهانت آمیز بود می دیدم که برخی از مسئولان همایش چپ چپ به او و رفتارش نگاه می کنند.

مرا در ردیف اول نشانند. نام مرا به عنوان مهمان خارجی روی پلاکاردی نوشته بودند و جلوی من روی میز قرار داده بودند. نکته جالب این بود که نماینده جمهوری آذربایجان که خانم جوانی بود، در کنار من نشسته بود. با او به زبان آذری گفت و گو کردم و گفتم که این اتفاق بسیار شگفتی که دو نفر آذری زبان از فاصله هزاران کیلومتری در جنوب چین در کنار هم بنشینند. او هم خیلی ابراز خوشحالی کرد.

پس از پایان جلسه افتتاحیه، ما را به سالن بزرگی بردند که در آنجا تعداد زیادی میز چیده بودند و در پشت هر میز دو نفر نشسته بودند. از قرار معلوم آنها قراردادهای اقتصادی می بستند که از پیش برای امضاء آماده شده بود. با اعلام آغاز این رویداد مهم در جاده ابریشم، هر دو نفر قراردادهای هم را امضاء و طی مراسمی قراردادها را با فشردن دست یکدیگر مبادله کردند و سالن یکپارچه با کف زدن های ممتد، این رویداد مهم را تبریک گفتند. آن گونه که شنیدم این قراردادها مجموعاً بیش از دهها میلیارد دلار بود.



در مراسم افتتاحیه و امضای قرارداد پروژه های کلیدی در مه ۲۹ سال ۲۰۱۵ طبق اعلام کمیسیون روابط تجارت خارجی و اقتصادی چونگ کینگ، ۸۰ پروژه کلیدی توسط بازرگانان و معامله گران داخلی و خارجی به ارزش ۳۲۳.۳ میلیارد یوان (۵۳ میلیارد دلار) امضا شد که نسبت به دوره قبل ۵۵ درصد افزایش یافته است. در میان ۸۰ پروژه های کلیدی، ۲۹ طرح کلیدی با مبلغ قرارداد کل ۲.۱۳۴ میلیارد یوان وجود دارد؛ ۵۱ پروتکل های کلیدی با مقدار کل مورد توافق از ۱۸۹ میلیارد یوان وجود دارد؛ در فاصله ۶۱ پروژه های داخلی با سرمایه گذاری کل ۸.۲۹۴ میلیارد یوان وجود دارد؛ و ۱۹ پروژه های تامین مالی خارجی است. صنایع و زمینه های مانند تولید، انرژی های جدید، صنعت خلاقیت فرهنگی، حمل و نقل ریلی، انبارداری و تدارکات، خدمات مدرن، اطلاعات برق، کشاورزی مدرن، تامین مالی، و ساخت تجهیزات را در بر می گیرد^۱.

۱۸th China Chongqing International Investment and Global Sourcing Fair

پس از شرکت در این مراسم از سالن بیرون آمدیم و به نمایشگاه تولیدات صنعتی رفتیم. از غرفه چندین کشور بازدید کردیم. کشورهای زیادی از آسیا آمده بودند. در یک غرفه مردی چینی چمدانی آلومینیومی به ابعاد ۱۰۰ سانتی متر در ۴۰ سانتی متر و عمق حدود ۲۰ سانتی متر آورد و در میان سالن در

^۱ - ۸۰ Key Projects Amounted over ۳۰۰ Billion Yuan with the Opening of the ۱۸th CCISF, Source : AddTime : ۲۰۱۵-۰۶-۰۱
<http://www.ccisf.com/en/news.aspx>

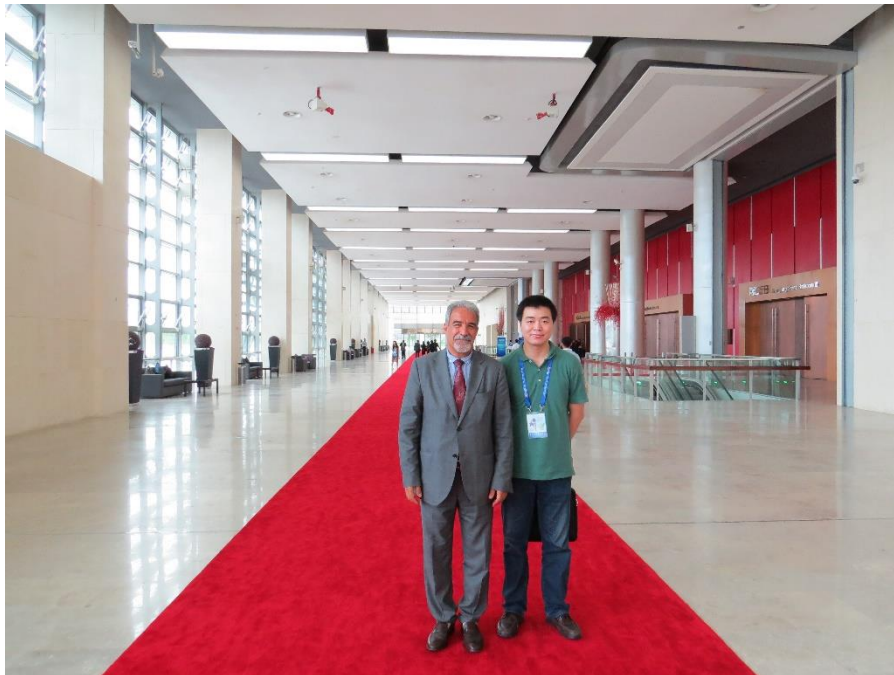
آن را باز کرد. این بسته پس از باز شدن به میز و نیمکت یک تکه تا شده‌ای تبدیل شد. آنگاه او روی میز رفت و جفت پا روی آن پرید. چند بار این کار را انجام و هر بار ضربات سنگینی بر آن وارد کرد. میز و صندلی همچنان استوار مانده بود. سپس میز و نیمکت را جمع کرد و در چمدان آلومینیومی جا داد. چقدر دلم می خواست یک عدد از این میز و صندلی سفری را تهیه می کردم.



به غرفه چند کشور سر زدیم و عکس گرفتیم. با مسئول غرفه ایتالیا عکس یادگاری گرفتیم. از غرفه‌ای مربوط به لبنان هم بازدید کردم..



با رئیس یانگ شی، آقای Zhang هم عکس گرفتیم



سپس یانگ شی و ژانگ مرا سوار اتومبیل کردند و گفتند که از شهر دیداری داشته باشیم. بر کنار رود یانگ تسه، از یک معبد چینی و از یک پارک در آن حوالی دیدار کردیم. از یک بازار سنتی هم بازدید کردیم و عکس گرفتیم.

مسجد چینقون



گپ و گفت داشتیم و شوخی و خنده.

از آنجا با ماشین همان خانم که نام او را فراموش کردم، ما را به دانشگاه بردند. شب فرارسیده بود. در دانشگاه چین جنوبی با تعدادی از اساتید علوم سیاسی و دانشجویان دوره دکترا در فضای باز در محوطه دانشگاه در تریای دانشجویان بحث و مبادله علمی داشتیم. دانشجویان علاقه‌مندی بودند. سؤالات زیادی از من درباره اوضاع سیاسی ایران داشتند و بر این باور بودند که ایران قدرتی در حال شکل‌گیری است. پس از گفت‌وگوهای صمیمانه با دوستان، ساعت ۱۱ شب به هتل بازگشتم و شب آرامی را سپری کردم.



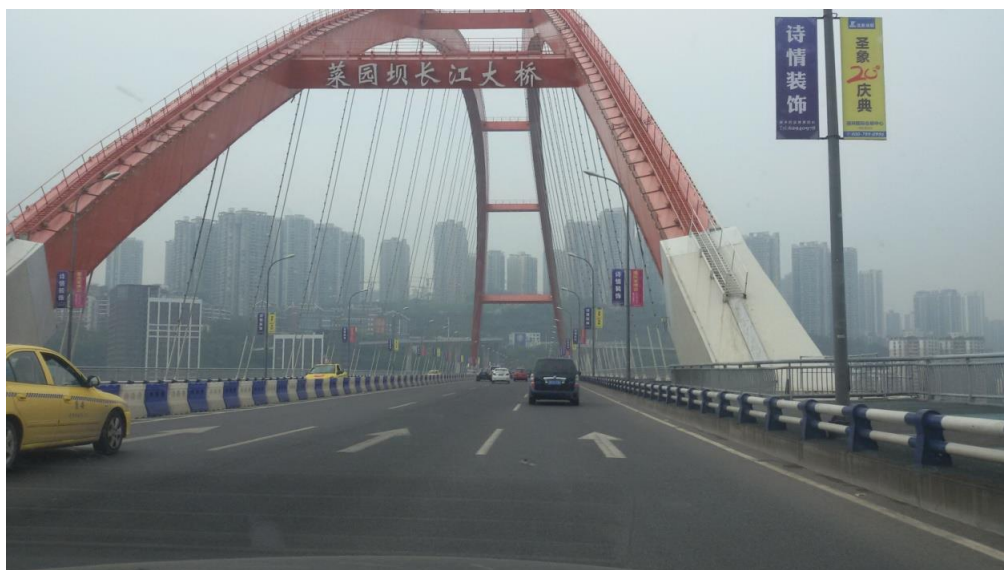
روز ۲۹ ماه می

صبح پس از چاشت، کیف سفری را آماده کردم. ساعت ۸/۳۰ به لابی هتل رفتم و دیدم که آقای

یانگ‌شی طبق قرار قبلی چشم انتظار من است. او به قدری منظم و مرتب است که شگفت‌انگیز است. هر چه باشد او در اکسفورد درس خوانده است. ژونگ هم آمد و هر دو مرا با ماشین به فرودگاه بردند. سپس آنها از اینکه مرا به ساحل یانگ‌تسه نبرده بودند، گفتند که مرا به ساحل خواهند برد. زحمات زیادی کشیدند و با هم به ساحل رود یانگ‌تسه رفتیم. یانگ‌تسه که به چینی «چانگ جیانگ» می‌گویند طولانی‌ترین رود چین و سومین رود طولانی آسیاست. این رود از میان ۱۵ شهر بزرگ چین از جمله همین چونگ‌قین و شانگ‌های می‌گذرد. از ارتفاع ۵۰۴۲ متری کوه‌های تانگ‌گولا سرچشمه می‌گیرد و طول آن ۶۳۰۰ کیلومتر است و حوزه آبریز آن ۱/۸ میلیون کیلومتر مربع است، متوسط دبی آن ۳۰ هزار متر مکعب در ثانیه است (حداکثر ۱۱۰ و حداقل ۲۰۰۰ متر مکعب در ثانیه). پل روی رود یانگ‌تسه در چونگ‌قین به طول ۱۷۴۱ متر و به عرض ۳۶/۵ متر و بلندی ۱۴۲ متر و بزرگترین دهانه ۵۵۲ متر است. ساخت آن در دسامبر سال ۲۰۰۴ آغاز و ۳۰ آوریل سال ۲۰۰۹ به بهره‌برداری رسید. هزینه ساخت آن ۳/۲ میلیارد یوآن بوده است. پل Chaotianmen نام دارد.



یانگ‌تسه نقش مهمی در تاریخ، فرهنگ و اقتصاد چین دارد. دلتای سعادت‌آفرین این رود، حداقل ۲۰ درصد از کل تولید ناخالص داخلی چین را تأمین می‌کند. چند عکس گرفتیم.



بر روی رودخانه پل عظیم احداث شده است که دو طبقه دارد. طبقه پایینی ریل راه آهن است و طبقه بالا اتومبیل رو است. به فرودگاه رسیدیم. از آنها خداحافظی کردم. ساعت ۱۱/۳۰ به سوی ارومچی پرواز کردم. فاصله بین اینجا تا ارومچی ۳۰۰۰ کیلومتر است. این فاصله در ۳/۵ ساعت طی شد.



ارومچی

در فرودگاه میزبانان من به استقبال آمدند. مرا سوار ماشین ولو کردند و به هتل آمدیم. در شهر ارومچی پلهای عظیمی ساخته اند. برخی خیابانهای دو طبقه نیز ساخته شده است. یک پل نیمه تمام دیدم که در حال ساخت بود. شاید به اندازه یکی از پلهای تهران هم چون پل سیدخندان یا

پل گیشا. پرسیدم این پل در چه مدتی ساخته خواهد شد؟ گفتند تا چهار ماه دیگر که نمایشگاه برگزار می شود باید ساخته شود. با خود گفتم اگر این پل در ایران ساخته می شد حتما آن هم همان چهار (البته سال) ساخته و آماده بهره برداری می شد. بافت شهر ارومچی شبیه دوی است. شهری مدرن و پیشرفته با ساختمانهای اداری و برجهای مدرن و بلند مسکونی. در پیرامون شهر هم پارکهای تفریحی و بخش صنعتی شهر مستقر است.

ناهار را در هتل خوردیم و بعد از ظهر با هم درباره برنامه های مشترک به گفت و گو در اتاق هتل گذرانیدیم.

یکشنبه ۱۰ خرداد، ۳۱ ماه می ۲۰۱۴

امروز صبح تصمیم داشتم به کاشغر بروم. پس و جو کردم، گفتند که به سبب نزدیکی ماه رمضان امکان دارد در آنجا ناآرامی هایی بروز کند بنابراین از رفتن به کاشغر که راهی دراز و هزینه زیاد داشت صرف نظر کرده از میزبان درخواست کردم برنامه ای برای بازدید از تورفان فراهم کنند. آنها پذیرفتند و برای سفر اتومبیل ولو و راننده آماده بود. میزبان و مترجم هم مرا همراهی می کردند. به سوی تورفان رفتیم. در مسیر ارومچی به تورفان، در منطقه ای خشک و بی آب، بیابان تکه مکان بود که سطح آن پوشیده از شن و سنگریزه بود. در جاهایی علف های خودرو دیده می شد. در سراسر این مسیر خشک و بیابانی در دل بیابان میلیونها توربین بادی کار گذاشته اند. شگفت انگیز است که در چنین سطحی و فضای دور از دسترس و بایر را به منطقه تولید انرژی بادی تبدیل کرده و از فضای موجود بهترین بهره برداری را انجام داده اند.

تورفان در ۱۹۲ کیلومتری ارومچی واقع شده است. در مسیری که به سوی تورفان می رود، مسیر یک وادی در امتداد جنوب غربی است که با گذر از بیابان در منطقه شمال شرقی صحرای معروف «تکله مکان» قرار دارد. این شهر در مسیر جاده ابریشم قرار داشته است. در شمال شرقی آن صحرای گبی است.

تورفان یا تورپان (به زبان اویغوری «تورپان شه هیری»)، شهری از منطقه خودمختار سین کیانگ است، شهری است که در دشت واقع شده است و در شرق سین کیانگ واقع است. مساحت منطقه آن ۶۹۳۲۴ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۶ برابر ۱۵۳ هزار نفر بوده است (اطلاعات Geoname)^۱. تورفان زمان درازی مرکز واحه ای حاصلخیز بود. (که آب آن از طریق کانال آبیاری «کاریز»

۱ . WWW.population. Mongabay.com

تأمین می‌شد) و یک مرکز تجاری مهم بود. به‌طور تاریخی این شهر در مسیر جاده ابریشم قرار داشت، که در آن زمان دیگر نواحی پادشاهی، شامل کولا و یانگی هم می‌شد. نام تورفان به خودی خود تا میانه سده‌های میانه بکار برده نمی‌شد - این نام عمدتاً پس از دوره مغول بدان داده شده است. مرکز منطقه چند بار جابجا شده است. از «یار-خوتو» (jiaohe) در ۱۰ کیلومتری غرب تورفان امروزی) تا قوچو (Gaochang) در ۳۰ کیلومتری جنوب شرق تورفان) و حتی خود تورفان. در این منطقه در طول تاریخ به یک مکان نام‌های گوناگونی داده شده است: تورپان، تورفان، تولوفان یکی از این نمونه‌هاست. دیگر نام‌های مکان‌ها هم چون جوشی / گوشه؛ گائوچانگ / فوچو؛ و جیائوهه / یارخوتو. کورلا، کوچا و تورفان مسکن توچاری‌ها بوده است.

در سال ۸۰۳ اوغورهای خانان اوغور تورفان را از دست تبتی‌ها تصرف کردند. خانان اوغور همچنین توسط قرقیزها ویران شد و پایتخت آن در مغولستان به نام اردو - بالغ را در سال ۸۴۰ میلادی به یغما دادند. این یورش موجب کوچ گسترده و دسته جمعی اوغورها به خارج از مغولستان شد و آنها در تورفان امروزی مسکن گزیدند. در اوایل قرن بیستم، مجموعه‌ای از ۹۰۰ دست‌نویس مسیحی مربوط به سده‌های نهم تا دوازدهم میلادی در یک صومعه در تورفان به دست آمده است.

اوغورها در منطقه تورفان یک پادشاهی تأسیس کردند که پایتخت آن «گائوچانگ» یا «قره‌خواجه» (Kara Khoja) بود. این پادشاهی به نام ایدکوت اوغوریه نام داشت یا «پادشاهی قره‌خواجه» که از سال ۸۵۶ تا ۱۳۸۹ میلادی پابرجا بود.

اوغورها مانوی بودند، بعد به بودایی گرویدند و معابد خود را در غارها ساختند در «غارهای بزک لیک». اوغورها با فرمانروایان «دو نهو وانگ» هم‌پیمان شدند. دولت اوغورها بعدها دولت تحت سلطه قراختائیان و سپس به امپراتوری مغول وابسته شدند. این پادشاهی توسط ایدیکوت‌ها یا فرمانروایان روحانی رهبری می‌شد.

آخرین ایدکوت، تورفان را در سال ۱۲۸۴ به کومول، سپس گانسو سپرد تا از دست سلسله یوآن در امان بماند، اما فرمانروایان محلی بودایی تا زمان حمله «خضر خواجه» مغول در سال ۱۳۸۹ قدرت را در دست داشتند. گرویدن جمعیت بودایی محل به اسلام تنها در نیمه دوم قرن ۱۴ میلادی خاتمه یافت. آثار فرهنگی به دست آمده از زادگاه مانوی و بودایی در تورفان به دست آمده است. اسناد اوغوری، فارسی نوین، سغدی و سریانی در تورفان به دست آمده است. در توفان هم چنین آثاری از پارسی میانه در دست است.

پس از گرویدن به اسلام، نوادگان اویغورهای بودایی، میراث پدران خود را به فراموشی سپردند و از یاد بردند که «قالموق»های کافر (دزونگارها) نخستین کسانی بودند که یادگارهای بودایی را در منطقه آنان به پا داشته‌اند.

تورفان در ۱۵۰ کیلومتری جنوب شرقی ارومچی، پایتخت سین کیانگ در یک حوزه کوهستانی، در بخش شمالی «چاله تورفان» در ارتفاع ۳۰ متری از سطح دریا قرار دارد. در بیرون تورفان یک آتشفشان کوچک وجود دارد «Turpan Volcano» که در سال ۱۱۲۰ در دوره فرمانروایی سلسله سونگ فوران کرده است.

تورفان دارای اقلیم خشک و سرد بیابانی است، با تابستانی طولانی و داغ، و زمستانی بسیار سرد و کوتاه و بهاری زودگذر و پاییزی در میان، بین ماه‌های مارس و اکتبر، اقلیم بیابانی داغ دارد. متوسط بارندگی تنها به حدود ۱۵/۷ میلی‌متر می‌رسد. میانگین دما از ۷/۶- در ژانویه تا ۳۲ درجه در جولای و تا برخی اوقات ۳۹/۸ درجه می‌رسد. حداقل دما ۲۸/۹- و حداکثر ۴۹/۶ درجه ثبت شده است.^۱

ادامه سفرها

بازدید از شهر کهن یارغول

پیش از رسیدن به تورفان، از روستای کهن یارغول دیدار کردم. یارغول Yarghul یا Jiaohe، شهر قدیمی در منطقه تورفان است. این شهر پایتخت قدیمی تورفان بوده است.

در میان نخستین استقرارگاه‌های این منطقه، طخاری‌هایی بودند که به زبان‌های هند - اروپایی گفت‌وگو می‌کردند، که در حوضه‌های تاریخ و تورفان در سال ۱۸۰۰ پیش از میلاد ساکن شدند. از سال‌های ۱۰۸ پیش از میلاد تا ۴۵۰ میلادی شهر جیائوه (یارغول) پایتخت داخلی پادشاهی جوشی بود که همزمان با سلسله هان، جین و سلسله‌های پادشاهی شمالی و جنوبی در چین بود. جیائوه حدود ۲۰۰۰ سال قدمت دارد.

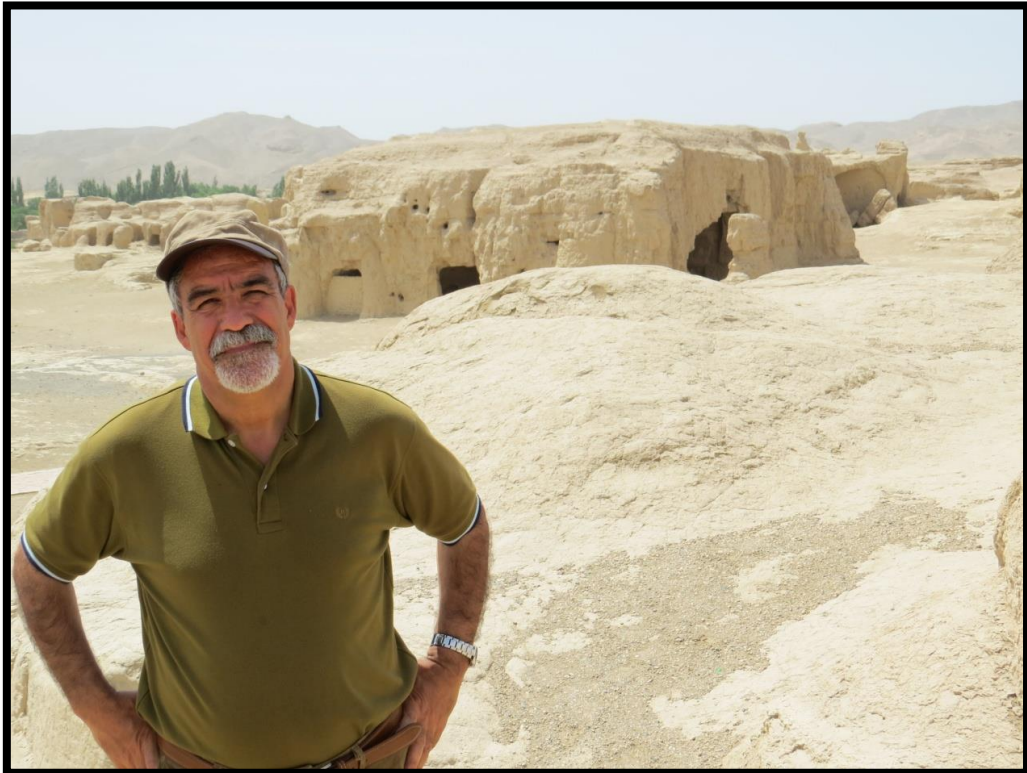
این شهر، نقطه‌ای مهم در طول جاده ابریشم بود که به غرب می‌رفت و با پادشاهی‌های کولا و قراشهر در غرب هم‌جوار بود.

^۱ - خلاصه‌ای از ویکی‌پدیای انگلیسی.



از سال ۴۵۰ تا ۶۴۰ میلادی اینجا حوزه اداری جیائو در سلسله تانگ بود و در ۶۴۰ میلادی کرسی جدید بخش جیائوه شد. از سال ۶۴۰ تا ۶۵۸ اینجا کرسی «ژنرال قیم» مناطق غربی بود، بالاترین مقام پست نظامی در سیستم نظامی چین که مقام فرماندهی منصوب شده در غرب چین بود. از آغاز قرن ۹ جیائوه به اداره ریاست خانات اوغور تبدیل شد، تا زمانی که این پادشاهی توسط قرقیزها، اندکی پس از سال ۸۴۰ تصرف شد. جیائوه بر روی فلاتی بنا شده است که حدود ۳۰ متر از پیرامون خود ارتفاع دارد.

شهر بر روی سکویی بزرگ (۱۶۵۰ متر طول، ۳۰۰ متر عرض)، در میان رودی که شرایط دفاعی را فراهم می‌کرد، ساخته شد و این نشان می‌دهد که چرا شهر فاقد برج و باروست. شهر دارای دو بخش مسکونی شرقی و غربی داشت، در حالی که بخش شمالی به عنوان عبادتگاه بودایی مورد استفاده بود. علاوه بر این تعداد گورستان‌ها و ویرانه‌های ادارات دولتی در بخش شمالی قسمت شرقی قابل توجه است. بر اساس گزارش سلسله تانگ، شهر ۷۰۰۰ نفر جمعیت داشته است. پس از ویرانی ناشی از یورش چنگیز خان مغول، شهر در قرن ۱۳ میلادی متروکه شد.



ویرانه شهر از سوی باستان‌شناس و کاوشگر آئورل استتن Aurel Stein مورد بازدید قرار گرفت که آن را به عنوان «ساختمان‌های پرپیچ و خم ویران شده و زیارتگاه‌های حجاری شده که بسیاری از بخش‌های آن از خاک‌های فرسایش شده، سر به بیرون داشتند». اما توصیف کرده بود که ترکیبی از بهره‌برداری از این خاک‌ها از سوی کشاورزان محلی و دخالت‌های دولت در فعالیت‌های او مانع انجام مطالعات می‌شد. شهر به طور گسترده در سال‌های دهه ۱۹۵۰ مورد کاوش قرار گرفت و از سال ۱۹۶۱ از سوی دولت مورد حفاظت قرار گرفت. اکنون کوشش‌هایی برای محافظت از شهر به عنوان یکی از شهرهای جاده ابریشم، انجام می‌شود.

اکنون هم موسسه تحقیقات میراث فرهنگی نارا و هم اداره آثار فرهنگی سین کیانگ در حال انجام پژوهش‌های مشترک برای حفاظت از عرصه‌های ویرانه‌های این شهر از سال ۱۹۹۲ به این سو هستند. در سال ۲۰۱۴ ویرانه‌های جیائو‌هه به عنوان بخشی از عرصه‌های میراث فرهنگی جاده ابریشم یونسکو به شمار می‌رود که در اثر کوشش‌های دامنه‌دار در سال‌های گوناگون انجام شده است.^۱

^۱ ویکی پدیا، مدخل (Jiaohe).

من با تهیه بلیت از این مجموعه دیدار کردم. در روز ۱۰ خرداد در این فضا هوا داغ بود. شهر تاریخی به خوبی محافظت می‌شود و در هر نقطه‌ای با استفاده از علائم گردشگران را راهنمایی کرده‌اند. وارد این صدفه شدم و از قسمت‌های مختلف آن بازدید کردم. در هر جا مسئولانی در راهنمایی بازدیدکنندگان و جلوگیری از ورود به جاهای حفاظت شده به کار گمارده شده بودند و در این هوای داغ از ویرانه‌ها مراقبت می‌کردند. محوطه به شکل بسیار خوبی ساماندهی شده بود تابلوهای اطلاعات به زبان انگلیسی و چینی و ترکی اویغوری نوشته شده بود. پس از بازدید از این شهر به داخل روستا رفتم، یک مجموعه تاریخی روستای قلعه مانند را به موزه مردم‌شناسی تبدیل کرده‌اند.



در آن نمونه‌هایی از زندگی، ابزار کار، لوازم زندگی و نوع و فنون صنایع روستایی به نمایش گذاشته شده است. در نمایشگاه با پیرمردی عکس یادگاری می‌گیرم.



در بخشی از این قلعه، کبوترخان به نمایش گذاشته‌اند و در بخشی دیگر اتاق‌های مخصوص تهیه کشمش و مویز ساخته شده از خشت و گل که به صورت ستون‌هایی چوبی با شاخه‌هایی چوبی عمود بر ستون چوبی است که خوشه‌های انگور را بر آن می‌آویزند. پیرامون این برج‌ها، دیوارهای شبکه‌ای دارد که امکان جابه‌جایی هوا و وزیدن باد و خشک شدن انگورها در سایه و تولید کشمش را فراهم می‌آورد. در سرتاسر این منطقه نیز اتاق‌هایی از خشت دیده می‌شود که بر فراز بلندی‌ها، در کنار تاکستان‌های سرسبز، برافراشته شده تا جریان هوا در آنها تسهیل شود. در مناطق انگورخیز ایران، از جمله استان قزوین و زنجان و شهر ملایر و مراغه و برخی شهرها که انگور پرورش داده شده و کشمش تولید می‌شود از این گونه روش و اتاق‌ها دیده نمی‌شود. تولید کشمش این منطقه در سطحی وسیع و برای صادرات است. در بازار ارومچی از تولیدات کشمش و نمونه‌های آن بازدید کردم. کیفیت بسیار عالی بود و بهای آن هم گران بود. کشمش‌ها و مویزهای درشت و سایه خشک. در منطقه یارغول تاکستان زیاد و سرسبز انبوه بود.



تصویری از نمایش چگونگی خشک کردن انگور در موزه یارغول

شهرک کاریز

پس از بازگشت از دیدار یارغول به سوی شهرک کاریز (Karez) حرکت کردم. بلیت ورودی ۴۰ یوآن است (۲۴ هزار تومان). عکسی از تابلوی ورودی کاریز



حياط مجموعه كاريز





کاريز در چاله تورفان واقع است. در اين جا موزه کاريز در محوطه سرسبز باغي در پيرامون قنات احداث شده است که از دو بخش بيروني - با نمايش چاه و دولاب و چاه کن و گاوي که از چاه آب بيرون مي کشد و حفاري چاه هاي قنات را نشان مي دهد - و بخش دروني - نمايش برشي از يک قنات در يک سالن حدود ۳۰ متری با نشان دادن چاه قنات و سيستم جمع آوري آب از چاه مادر تا مظهر قنات، تشکيل شده است.

سيستم آبياري قنات براي تورفان بسيار حياتي بوده است به سبب آنکه اين شهر واحه اي براي توقف و تجديد قوا براي کاروان هاي جاده ابريشم بوده است، زيرا در حاشيه صحراي تکله مکان قرار داشته که محيطي خشن و غير قابل تحمل بوده است. تورفان شکوه خود را مديون همين قنات هاست که سيستم آبياري کاريز را پديد آورده است.

در سين کيانگ بزرگترين تعداد از چاه هاي کاريز در چاله تورفان ساخته شده است که امروزه هنوز ۱۱۰۰ چاه کاريز و کانال با طول بيش از ۵۰۰۰ كيلومتر فعال هستند. جغرافياي محل بهره برداري از کاريز و سيستم آبياري آن را ضروري مي سازد. تورفان در دومين چاله عميق جهان واقع شده که بيش از ۴۰۰۰ كيلومتر مربع مساحت اين چاله است که از سطح درياهاي آزاد پايين تر است که حوضه اي بزرگ را تشکيل مي دهد.



آب کاریها حاصل بارندگی هایی است که در فصول بارانی به ارتفاعات پیرامون این چاله می بارد. این آب توسط این سیستم در شیب دامنه ها به پایین هدایت می شود.

تعدادی عکس از بخش های مختلف نمایشگاه می گیرم. خانمی در نمایشگاه به زبان انگلیسی توضیح می دهد. با اشاره به ماکت این قنات، توضیحات مفصلی ارائه می دهد. با او به ترکی سخن می گویم. زبان اویغوری لغات ترکی زیادی دارد و من متوجه می شوم. لغات فارسی بسیاری هم دارد که با الفبای فارسی و دانستن زبان ترکی می شود بسیاری از تابلوها را فهمید. وارد محوطه کاریز می شوم و از تونل آن بازدید می کنم. نمایشگاه در نمایش نحوه عملکرد قنات خوب کار کرده است. در بخش تونل قنات، تابلوهایی نصب شده و از برخی جاها برش هایی انجام داده و چراغ هایی نصب کرده اند که بتوان قنات و عملکرد آن را لمس کرد.

در محوطه بیرونی، داربست دراز و زیبایی از مو بر سر حیاط کشیده شده است. از این محوطه چندین عکس می گیرم. بیرون می آیم و به سوی مرکز شهر می روم. در این منطقه در خیابان اصلی خانه های ویلایی با دروازه های ورودی بزرگ قرار دارد در حیاط خانه ها داربست مو و زیر آن تخت های چوبی مربع به ابعاد حدود $2/5 \times 2/5$ متر و به بلندی ۶۰ سانتی متر از زمین قرار دارد. روی این تخت با قالی پوشیده می شود و بر روی آن یک میز عسلی قرار دارد. افراد خانواده دور این میز می نشینند و غذا می خورند. روی آن شبها رختخواب پهن می کنند.

نکته اصلی دیگر این است که برخلاف عکس ها و گزارش هایی که از اوضاع اویغورها و سرکوب

مردم مسلمان توسط دولت چین گفته می‌شود، در همه جا مسلمانان را دیدم که در آرامش و آسایش زندگی می‌کنند. مساجد دایر است و نمازگاران به مسجد می‌روند. در سین کیانگ برخلاف دیگر نقاط چین، در دوره سیاست‌های تک فرزندی، مسلمانان چین از این قاعده مستثنی بوده‌اند و می‌توانستند چند فرزند داشته باشند. علاوه بر آن کاربرد زبان و الفبای اویغوری در سطوح مختلف از علائم تا روزنامه و انتشارات و رادیو تلویزیون بود که توجه مرا به خود جلب کرده است.

برخلاف تصور قبلی بر اساس رسانه‌های گروهی درباره اویغورها که آنها را با عبا و عمامه و گاری‌های دستی و گاری چارپا نشان می‌دهند، من خود در این مدت چنین پوشش و وسایل حمل و نقل را ندیدم. البته در بخش کشاورزی تراکتورها و تریلرها و یدک بارکشی آنها را دیدم که مسافر سوار کرده بودند یا اعضای خانواده را حمل می‌کردند.

از آنجا به شهر تورفان آمدم. خیابان‌ها خلوت بود، هوا گرم و خیابان‌های گسترده با تابلوهای به زبان اویغوری مغازه‌ها نظرم را جلب کرد. تورفان در واقع همان فضا و اقلیم یک شهر واحه‌ای را داراست. در ساعت حدود ۲-۳ بعد از ظهر، که آفتاب درخشان ماه می با گرمای طاقت‌فرسا بر سر شهر می‌تابید، گرما با تمام وجود احساس می‌شد. به یک غذاخوری اسلامی رفتم و غذایی نه چندان مطلوب و تند خوردم. از آنجا بیرون آمده به سوی موزه باستان‌شناسی شهر رفتم. موزه‌ای بسیار ارزشمند است. در یک ویتترین بزرگ، ماکت گسترده‌ای از شهر یارغول به نمایش گذاشته شده و جزئیات آن به چند زبان از جمله اویغوری، چینی و انگلیسی شرح داده شده است.

موزه تورفان اقلیمی از سلسله تانگ در خود جای داده است که از گورهای «آستانا» در پیرامون شهر به دست آمده است. همچنین دست‌نوشته‌ها و متون بسیاری به زبان‌های سغدی از جاده ابریشم، لباس‌ها و اشیاء مختلف در موزه موجود است.

ساختمان موزه در سه طبقه در خیابان لائوچنگ شرقی (Laocheng) قرار دارد و موزه‌ای نوساز است. این موزه دومین موزه بزرگ سین کیانگ است.

این موزه که ابتدا در سال ۱۹۸۹ افتتاح شد، در مرکز شهر است. ساختمان جدید موزه در سال ۲۰۰۶ آغاز به ساخت کرد و سه سال بعد به بهره‌برداری رسید. در این موزه ۵۰۰۰ نمونه موزه‌ای به نمایش گذاشته شده است که نمایانگر تاریخ باشکوه و گذشته با عظمت شهر است. در این ساختمان جدید موزه در بین آثار نمایشی، نیمی از آنها آثار کاوش شده‌ای است که به تازگی به دست آمده است و به نمایش گذاشته شده است. افزون بر مومیایی‌های باستانی، موزه از نظر دارا بودن اسناد

مکتوب تاریخی، از ارزش والایی برخوردار است.

تالارهای اصلی موزه:

تاریخ عمومی منطقه تورفان

نمایشگاه فسیل‌های کرگدن‌های عظیم

حدود ۲۰ میلیون سال پیش، کرگدن‌های عظیم، بزرگترین پستاندارانی که زمین به خود دیده است در این منطقه زندگی می‌کرده‌اند، در جایی که گمان می‌رود دریا بوده باشد، اما به طور تعجب‌آوری تبدیل به زمین‌های پست بیابانی تبدیل شد. گفته می‌شود که آنها می‌توانستند روزانه ۵۰۰ کیلوگرم برگ درخت یا علف را بخورند. آنها ۵ متر قد و ۹ متر طول بدنشان بود و وزنشان به حدود ۳۰ تن می‌رسید. فسیل‌های موجود در این موزه، کامل‌ترین فسیل‌های حیوانات عظیم‌الجثه‌ای هستند که تاکنون یافت شده است. فسیل‌ها و دیگر موجودات دوره‌های زمین‌شناسی بر اساس دادن تصویری از میلیون‌ها سال پیش، به کمک تصاویر، مدل‌ها و فیلم‌ها و ویدئوهای کوتاه، به نمایش گذاشته شده‌اند.

نمایشگاه مومیایی‌های باستان

این بخش موزه مهیج‌ترین و جذاب‌ترین بخش موزه است. مومیایی‌های کشف شده به سبب جغرافیا و اقلیم محلی، خیلی خوب مانده‌اند، مانند اینکه توسط گره‌های شعله‌ور خشک شده‌اند. تعداد زیادی مومیایی در تورفان پیدا شده‌اند که منبع اصلی مومیایی‌ها در موزه منطقه‌ای سین کیانگ و دیگر موزه‌های ملی چین هستند. تعداد ۹ مومیایی خوب حفاظت شده و یک اسکلت، شامل دو زوج و یک شمن هستند. قدیمی‌ترین بدن‌ها مربوط به ۳۲۰۰ سال پیش است.

نمایشگاه اسناد و سکه‌های نقره و طلا کشف شده

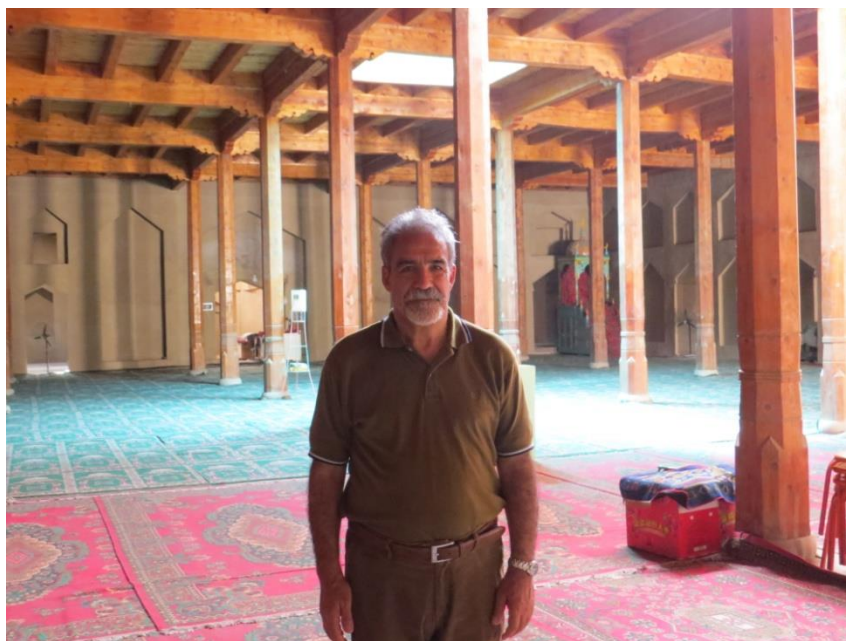
دست‌نوشته‌ها و اسناد کشف شده در این منطقه دوره‌ای از شانزدهمین پادشاهی (۳۰۴-۴۳۹)، در اثنای سلسله جین (۲۶۵-۴۲۰)، تا سلسله‌های یوآن، مینگ و قینگ را دربر می‌گیرد. این اسناد شامل نامه‌ها، پیمان‌نامه‌ها، احکام شرعی (Sutra)، سیاهه موضوعات تدفینی، فرمان‌ها و از این قبیل است. در ضمن سکه‌های باستانی که از معابد اطراف به دست آمده و سکه‌های نقره از دوره ساسانی که توسط سکه‌شناسان معروف هدیه شده است نیز نگهداری می‌شود.

در کنار موزه یک برج دیدبانی به بلندی ۵۶ متر سر برافراشته است. در گوشه شمال شرقی، یک مرکز آموزشی چهار طبقه قرار دارد.^۱

پس از بازدید از این موزه به دیدار مسجد امین رفتیم.

^۱ -www.travelchinaguided.com

مناره امین تنها بلندترین مناره قدیمی در سین کیانگ و تنها برج اسلامی در میان صدها برج موجود در چین است. مسجد امین در حدود ۲ کیلومتری شرق تورفان قرار دارد، این مسجد در سال ۱۷۷۷ به افتخار ژنرال قهرمان تورفان «امین خواجه» ساخته شده است. او یک وطن پرست برجسته‌ای بود که برای اتحاد چین، در طول زندگی خود مبارزه کرده است. او هشت پسر داشت ولی پسر بزرگ او در اثر بیماری درگذشت. تحت تأثیر این رویداد، همه پسران باقی مانده او در مبارزه علیه شورشیان جونگار شرکت داشتند. دومین پسر او سلیمان نام داشت که این مناره را با پول خود ساخت. این دلیلی است که چرا این مناره سوگنگ تا (sugong ta) نیز نامیده می‌شود. پس از درگذشت امین، سلیمان میراثدار عنوان پدر شد و دومین فرمانروای تورفان شد.



در آستانه ورودی به مناره دو لوحه سنگی یادبود ایجاد شده است. یکی از آنها به خط چینی است که علت ساخت این مناره را شرح می‌دهد که برای قدردانی از سلسله قینگ (۱۶۴۴-۱۹۱۱) و به یادگار نگهداشتن کارهای برجسته امین خواجه، در حالی که لوحه به زبان اویغوری، سپاسگزاری از خداوند است.



در این لوحه پیشینه تاریخی مناره امین خواجه با این اثر مهم مهماری نشان داده می‌شود. این مناره ۴۴ متری فاقد اشکوب است. در پایه، مناره ۱۰ متر قطر دارد و در بالا دارای یک گنبد اسلامی است. در مرکز آن، ستونی آجری است که پله‌های مارپیچ به بالای مناره رهنمون می‌شود. مناره دارای ۷۲ پله است. همچنین ۱۴ عدد نورگیر برای تهویه نیز در نقاط مختلف دارد. در بالا، یک اتاقک کوچک ۱۰ متر مربعی وجود دارد که پنجره‌های بزرگ در ۴ طرف دارد که از میان آنها چشم‌انداز حیرت‌آور پیرامون دیده می‌شود. متأسفانه، بازدید کنندگان به سبب محافظت از بنا، امکان بازدید از آن را ندارند. این ستون عظیم ساخته شده‌اند از آجر زرد و گل می‌توانست متروکه شود، اگر که نمونه تزئینی نبود. معماران باهوش اویغور، از آجر برای ساختن الگو،‌هایی هم چون موج‌ها، گل‌ها، یا اشکال لوزی، بهره گرفته‌اند. آنچه بیشتر مورد توجه است این است که معماران هوشمند اویغور حتی پیرامون را نیز در نظر داشته‌اند. در برابر آسمان لاجوردی، کوه‌های نقره‌فام تیان شان و کوه‌های شعله‌ور قرمز رنگ، و مناره طبیعی و دست نخورده دیده می‌شود ولی با هوای مغرور و باوقار. هر ناظری که به بالای مناره برود آسمان آبی شفاف تورفان خواهد دید.

مسجد سوگونک تا

در سمت راست مناره، مسجد «سوگونک تا» قرار دارد که یکی از بزرگترین مساجد سین کیانگ

است. برخلاف ظاهر کمرنگ آن، مسجد جامع گنجایش ۱۰۰۰ نمازگزار دارد. مسجد نه چندان خیره کننده است که مناره را بيقواره کند و نه چند محقر که به عنوان یک مرکز عبادی است. مناره مدور امین و مسجد مربع شکل دارای یک تضاد بدون هماهنگی هستند. ورودی مناره ۵۰ یوآن است و از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب فعال است. در کنار مسجد بازار سنتی وجود دارد که در آن خوراکی‌ها و خشکبار و صنایع دستی و لباس‌های سنتی، کارهای سنگی بسیار زیبا و کالاهای تزئینی و فلزکاری و کارهای چوبی عرضه می‌شود.

برای ادای نماز پیشین و پسین به مسجد رفتم. باید بلیت می‌گرفتم. وارد حیاط مسجد شدم و به وضوخانه رفتم. آب نبود. به هر زحمت قدری آب به اندازه ساختن دست نماز به دست آوردم. وارد مسجد شدم. پیرمردی در جلوی درب مسجد ایستاده و اجازه ورود به شبستان را نداد. به او گفتم مسلمان هستم و می‌خواهم نماز بخوانم. مانع را برداشت وارد شبستان شدم. پس از نماز از چند زاویه عکس گرفتم، مسجد ستون‌های چوبی زیبایی دارد. پس از اینکه تعدادی عکس گرفتم، از مسجد بدر شدم.

توربین های بادی در صحرا

در مسیر تورفان به ارومچی در سرتاسر مسیر، در همه جا توربین‌های بادی نصب شده است. در حدود بیبش از ۱۰۰ کیلومتر از مسیر، در همه دشت ریگزار، توربین کار گذاشته‌اند. چین از جمله کشورهایی است که در انرژی‌های نو، سرمایه‌گذاری زیادی انجام داده است. در کنار جاده یکی از پره‌های سه‌گانه توربین را دیدم، بسیار بزرگ بود. یک تریلی را که در حال حمل یکی از این پرها بود دیدم. هر پره علاوه بر طول تریلی، حدود ۳ متر هم از تریلی بیرون زده بود.

در سر راه، در یک مجتمع سرراهی پیاده شدیم. روی توالی عمومی نوشته بود «عامومی حاجت‌خانه». این واژه حاجت‌خانه در تمام منطقه سین کیانگ و آسیای مرکزی متداول شده است. «حاجت» عربی با «خانه» فارسی در آمیخته‌اند.

به هتل آمده و استراحت کردم. عصری پیاده روی کردم. در کنار هتل مغازه‌ای دیدم که قمیز می‌فروخت. چون تا حالا نخورده بودم، یک لیوان قمیز خریدم و همانجا سر کشیدم.

دره انگور

این دره در ۷ کیلومتری شمال شرقی تورفان واقع است و به طول ۸ کیلومتر از شمال به جنوب و به عرض دو کیلومتر کشیده شده است. این دره خنک جایی بی‌مانند است، هنگامی که در پیرامون آن

بیابان سوزانی قرار دارد، این دره سرسبز، زیبا، خنک و دلپذیر است. این بهشت ۲۲۰ هکتاری با لایه‌هایی از تاکستان‌های پربار پوشیده شده است.

حدود ۱۳ گونه انگور هم چون منیازی، ووهبای (انگور بیدانه سفید)، و دیگر انواع پرورش داده می‌شود. همه ساله بیش از ۳۰۰ تن کشمش در اینجا تولید می‌شود. هر خوشه انگور شفاف و پر آب است. برخی سبز هم چون زمرد، برخی سرخ هم چون عقیق، برخی کوچک هم چون مروارید، برخی دیگر هم چون زیتون. در میان همه این انگورها، ووهبای به «مروارید درخشان» معروف شده است، که ۲۴-۲۰ درصد قند دارد. کشمش انگور ووهبای حدود ۶۰ درصد قند دارد که لذیذترین و گران‌ترین در تورفان است.

در کنار انگور، میوه‌هایی چون هلو، زردآلو، انار نیز پرورش داده می‌شوند. آب در این دره از ذوب برف‌های تیان شان تأمین می‌شود و دره را زنده نگه می‌دارد. از ماه آوریل انگورها دانه می‌بندد و در ماه اوت بهترین موقع خوردن انواع انگور است. در تورفان بهترین نوع نان، «نان» نامیده می‌شود.

ارومچی (به زبان اویغوری = نوروچی شه‌ه‌ری)

ارومچی مرکز منطقه خودمختار شین‌جان (سین کیانگ به گویش محلی) چین است. مساحت آن حدود ۱۰ هزار کیلومتر مربع است. متروی آن حدود نیمی از مساحت شهر را پوشش می‌دهد. جمعیت آن در سرشماری سال ۲۰۱۰ برابر ۳ میلیون نفر گزارش شده است. این شهر در سال ۲۰۱۳ حدود ۲۴۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی داشته است. نوروچی در زبان اویرات «چراگاه زیبا» است. ارومچی در شمال غربی چین واقع است و در دوره سلسله فرمانروایی تانگ، بارکده بزرگ جاده ابریشم بود و به عنوان مرکز توسعه یافته فرهنگی و تجاری در دوره فرمانروایی سلسله قینگ پرآوازه بود. ارومچی بزرگترین شهر در غرب چین است. از سال ۱۹۹۰ شهر از نظر اقتصادی توسعه یافته و به عنوان نقطه خدمات حمل و نقل و مرکز تجاری و فرهنگی شناخته می‌شود.

تاریخ ارومچی

اگرچه ارومچی در نزدیکی جاده ابریشم شمالی واقع است، اما شهر امروزی ارومچی شهری جدید است. تا پیش از دوره «خانات جونگار»، ارومچی نامیده نمی‌شد. یک استقرارگاه قدیمی‌تر در همان

نزدیکی بود. بنا به محققان چینی، در ۲۲ مین سال فرمانروایی امپراتور «تایزونگ» از سلسله تانگ، در ۶۴۸ میلادی دولت تانگ شهر «لونتای» را به عنوان کرسی «ارابو» کهن در ده کیلومتری جنوب حومه ارومچی کنونی تأسیس کرد، که مرکز فرمانداری نظامی قیومیت غرب برای سین کیانگ کنترل شده بود. شهر کهن لونتای کرسی دولت محلی بود و مالیات دریافتی از کاروان ها را در طول جاده ابریشم شمالی گردآوری می کرد. پس از آنکه تانگ از مناطق غربی شکست خورد، منطقه به کنترل اویغورهای خاقانات و گوآچنگ / قوچو درآمد. در دوره بین فرمانروایی تانگ تا قینگ، اطلاعات اندکی درباره منطقه ارومچی در دست است، به نظر می رسد که در آن دوره در این جا استقرارگاهی دائمی وجود نداشته است. مغول ها بیشتر به «بیش بالیغ» اشاره دارند که به معنی پنج شهر است، به پنج شهرکی که منطقه امروزی ارومچی را در بر می گرفت.

دوره جونگار

قبایل چونگار اوریات که خانات جونگار را تشکیل دادند آخرین قدرت اصلی برای کنترل ارومچی پیش از تفوق منچوها بر آن بودند، در زبان آنها نام «ارومچی» را به نام امروزی شهر دادند. در دوره فرمانروایی سلسله مینگ، اطلاعاتی درباره جایی به نام جیوجیاوان (Jiujiawan) در ۵ کیلومتری غرب ارومچی کنونی وجود دارد که ممکن است شهرک جونگار بوده باشد که بعدها در زمان فتح فینگ ویران شده باشد.^۱ مردم استپ نشین از موقعیت، گذرگاه بین «بوگراشان» به شرق و تیان شان به سوی غرب، که حوضه جونگار را به شمال و چاله تورفان را به جنوب پیوند می داد؛ بهره می گرفتند.^۲

ارومچی به عنوان شهرکی خرد باقی ماند، و اهمیت آن کمتر از تورفان بود که شهری واحه ای در جاده ابریشم و در ۲۰۰ کیلومتری جنوب شرقی بود. جنگ بر سر تصاحب جونگاریا سبب شد که «خوشو اوت» ها (اکنون مغول ها) در سال های دهه ۱۶۲۰ و ۱۶۳۰ ارومچی را به سوی قینقای و تبت ترک گویند. اویغورها در قرن ۱۸ در منطقه ارومچی توسط جونگارهایی که آنها را از غرب منطقه تاریخ رانده بودند پدیدار شدند و در ارومچی تارنچی یا کشاورز شدند.^۳

^۱ - Piper Rae Gaubatz (31 March 1996). *Beyond the Great Wall: Urban Form and Transformation on the Chinese Frontiers*. Stanford University Press. pp. 70–72. ISBN 978-0804723992.

^۲ - "Urumqi". Chinatoday.com.cn. 1 February 1954. Archived from the original on 21 October 2002. Retrieved 19 February 2010

^۳ - A. Millward (2007). *Eurasian Crossroads: A History of Xinjiang*. Columbia University Press. pp. 92–93. ISBN 978-0-231-13924-3.

فرمانروایی قینگ

در سده ۱۸، قینگ‌ها علیه خانات جونگار وارد جنگ شدند. ارومچی در ۱۷۵۵ از سوی قینگ‌ها تصرف شد، و جونگارهای منطقه در نسل‌کشی حذف شدند. نویسنده‌ای به نام وی‌یوآن (Wei Yuan) نتایج ویرانی‌ای که در آن شمال سین‌کیانگ «یک دشت خالی بود با هزاران لی، با هیچ ردپایی از انسان». یک دژی بنا شد (در سال ۱۷۵۵ یا ۱۷۵۸ بنا به منابع مختلف)، و قینگ بعدها پادگانی از پرچم‌داران مغول و منچو و سپاهیان چینی در ارومچی تشکیل داد. بعد از ۱۷۵۹ در پیرامون ارومچی مزارع دولتی نیز تشکیل شدند، جایی که در آنجا زمین‌های حاصلخیز، دارای منابع آب کافی و قابل آبیاری و تعدادی مردم وجود داشتند.

منچوها در آنجا ساختن باروی شهر را در سال ۱۷۶۳ در جنوب شهر آغاز کردند که در سال ۱۷۶۷ به پایان رسید. امپراتور قین‌لونگ، این استقرارگاه جدید را «دیهوآم» نامید، که به معنی روشنگری بود. در سال ۱۷۷۱ شهر دیگری به نام گونگ‌نینگ چنگ (Gongning Cheng) در شمال غربی برای اسکان پرچمداران منچو ساخته شد و این توانست کرسی دولت بشود. استقرارگاه پرچمداران در غرب بطور عادی به عنوان «من چنگ» (شهر منچو) نامیده می‌شد، در حالی که دیهوآ در شرق، شهر چینی‌های هان بود که عموماً هان چنگ (شهر هان) نامیده می‌شد. ارومچی دوره‌های نخست بنابراین یک شهر دوقلو بود، با مرکز اداری گونگ‌نینگ، در حالی که دیهوآ در سین‌کیانگ هم چون شهری تجاری و مالی توسعه پیدا کرد.

مسلمانان هونی چین، از گانسو و شان‌خی، چینی‌های هان از سراسر چین مهاجرت به دیهوآ را آغاز کردند. در سال ۱۷۶۲ بیش از ۵۰۰ مغازه توسط مهاجران چینی در اراضی ارومچی کنونی گشوده شد. ادبا و فضایی که دیهوآ را دیده‌اند از شباهت دلفریب فرهنگی آن با شرق چین، در شگفت مانده‌اند. جی خیائولان (Ji Xiaolan) نویسنده، دیهوآ را با پکن مقایسه می‌کند که در هر دوی آنها تعداد زیادی مشروب‌فروشی بود که هر روز رقص و آواز چینی را به نمایش می‌گذاشتند. گونگ‌نینگ چنگ، تسخیر شد، استاندار قینگ آن به قتل رسید و شهر آتش زده شده با خاک یکسان شد. قینگ‌ها بعدها دوباره کنترل ارومچی را به دست آوردند. در سال ۱۸۸۴، امپراتور گوآنگ‌خو، سین‌کیانگ را به استان تبدیل و دیهوآ را پایتخت آن قرار داد.

دوره جمهوری

پس از فروپاشی سلسله قینگ سین‌کیانگ، ارومچی توسط جانشینان جنگ سالاران از جمله:

یانگ زنگ خین (۱۹۲۸-۱۹۱۱۹)، جین شورن (۱۹۲۸-۱۹۳۳) و شنگ شیکای (۱۹۳۳-۱۹۴۲) اداره می شد. از بین اینها یانگ و ژنگ به نظر می رسد فرمانروایان توانایی بودند. در اثنای شورش کومول در نبرد ارومچی (۱۹۳۳) و جنگ ارومچی (۱۹۳۳-۱۹۳۴) در بین نیروهای هنگ ۳۶ ماژونگ قینگ (ارتش سرخ انقلابی) و نیروهای استانی جین شورن و شنگ جنگ در گرفت.

دوره جمهوری خلق

در پی تأسیس جمهوری خلق چین در یکم فوریه ۱۹۵۴ نام شهر به طور رسمی به نام جونگار اوریات، یا همان ارومچی تغییر نام داد که به معنی «چراگاه زیبا» است که به زبان اوریاتی مردم جونگار است.

در پایان دهه ۱۹۷۰ دنگ شیائوپینگ، کنترل شدید چین بر سین کیانگ را برداشت که موجب توسعه عظیم ارومچی از توسعه صنایع نفت و گاز سین کیانگ بود.

ساخت مسجد جامع جدید از کمک های مالی دولت چین در ارومچی است. در حالی که سین کیانگ جنوبی، چین ابتکارات شدید قواعد دینی را در ارومچی اجرا می کند، چین با اوغورها و مذهب سهل انگارانه و آسان رفتار می کند.

شهر از برخی ناآرامی ها رنج می برد، در می ۱۹۸۹ ناآرامی های ارومچی منجر به ۱۵۰ زخمی شد. در فوریه ۱۹۹۷ بمب گذاری در ارومچی سبب حادثه قولجا شد که در نتیجه آن ۲۵ کشته و تعدادی زخمی بود.

آشوب جولای ۲۰۰۹ و ناآرامی های آن

گسترده ترین خشونت های قوی در چین در دهه ها، در جولای سال ۲۰۰۹ بین چینی های هان و اوغورها روی داد. نیویورک تایمز گزارش داد که این شورش و خشونت (درگیری با پلیس ضدشورش و اوغورها) سراسر شهر را فراگرفت که در آن اوغورها مورد حمله و کشتار قرار گرفتند. پیش از آنکه شورش خوابانیده شود، اوغورهای جوان در شهر راهپیمایی کردند «علیه موارد تبعیض قضایی». بر مبنای ارقام رسمی، بیش از ۱۹۷ نفر از کشته شدگان از هان ها بودند، اطلاعاتی که از سوی اوغورها مورد مشاجره و انکار است.

دموگرافی

ارومچی از زمان تسخیر شدن از سوی قینگ، شهری چند قومی بوده است؛ در سال های نخستین،

منچوها در گونگ نینگ چنگ، چینی‌های هان در دیهوا، و دیگر قومیت‌های گوناگون هم چون هوئی، اویغورها و دیگران در حومه شهر زندگی می‌کردند.

مسلمانان در جنوب باروهای شهر دیهوا آسکان داشتند، اگرچه باروهای شهر از بین رفته بود، مسلمانان در آنجا اکثریت را تشکیل می‌دادند. در خود شهر ارومچی، در سال‌های دهه ۱۸۸۰ جمعیتی حدود ۳۹ هزار نفر و در آغاز سده ۲۰ حدود ۵۰ هزار نفر جمعیت داشت. گفته می‌شود که ارومچی در سال ۱۹۰۸ از سوی اویغورها (بعدها آنها ترک نامیده شدند)، چینی‌ها، منچوها و تعداد کمی مغول‌ها مسکون شده بود، با برآوردی که در مقایسه تعداد اویغورها، یک چهارم جمعیت را تشکیل می‌داد.

در دوره جمهوری خلق، برنامه فعالی برای اسکان دوباره جمعیت هان در سین کیانگ تدارک دیده شد. در سال ۱۹۶۰ در شهر ارومچی ۷۶۴۹۶ نفر اویغور و ۴۷۷۳۲۱ نفر هان ساکن بودند.

براساس سرشماری سال ۲۰۰۰ ارومچی ۲۰۸۱۸۳۴ نفر جمعیت داشت با تراکم جمعیت ۱۷۴/۵ نفر در کیلومتر مربع. در سرشماری سال ۲۰۱۰ جمعیت شهر ۳۱۱۲۵۵۹ نفر بود. بخش بزرگی از افزایش جمعیت به سبب تغییر مرزهای محدوده شهر است، برای نمونه «میگوآن» در منطقه «میدونگ» ادغام و در سال ۲۰۰۷ بخشی از ارومچی شد.

در سال ۲۰۱۰ حدود ۷۵ درصد جمعیت را هان و ۱۲/۵ درصد را اویغورها و ۹ درصد را هوئی‌ها تشکیل می‌دادند.

بازار بزرگ بین‌المللی خین جیانگ (Xinjiang Internation Grand Bazaar)

بازار بزرگ بین‌المللی خین جیانگ دارای سبک معماری بازار اسلامی است که در سال ۲۰۰۳ ساخته شده است. این مجموعه به سبک اسلامی با ترکیبی از سبک مشخص و بارز اویغوری است. این بازار دارای برج دیدنی شماره یک است، مسجد اردائوقیائو (Erdaoqiao)، تئاتر بزرگ پذیرایی و موسیقی، میدان مری و خیابان پیاده‌روی سونی است.



در تالار بزرگ تئاتر پذیرایی بازار بزرگ بین‌المللی، گردشگران می‌توانند با تماشای نمایش رقص و آواز اویغوری سرگرم شوند و در همان حال از غذاهای متنوع سنتی اویغور لذت ببرند. اینجا یکی از بهترین جاهای دیدنی است که گردشگران می‌توانند غذاهای گوناگون و سنتی نوع اویغوری و آسیای مرکزی در ارومچی بخورند و لذت ببرند. این تالار پذیرایی و تئاتر می‌تواند در هر زمان پذیرای هزار نفر باشد.

مرکز خرید «اردائو قیائو» در کنار بازار بزرگ، پیش از خیابان «ملیت‌ها» واقع شده است. این بازار یکی از قدیمی‌ترین بازارهای ارومچی است که می‌توان همه انواع گوناگون تولیدات قومی از بخش‌های مختلف سین کیانگ را در ارومچی خریداری کرد. این بازار همچنین به نام مرکز خرید اردائو قیائو نیز نامیده می‌شود.

خیابان ملیت‌ها، ساختمان نوینادی است که در مقیاس ترکیبی از فرهنگ، شخصیت، روش، نویشدنی‌ها، و همچنین فرهنگ کالایی خیابان ۱۵ شهر است.

اکنون سه مرکز خرید، مرکز ادغام فرهنگ برای اویغورها و دیگر گروه‌های قومی است که از دیگر بخش‌های سین کیانگ برای دستیابی به رویاهای آینده خودشان به ارومچی آمده‌اند. در این مراکز خرید بیش از ۲۰۰۰ نوع کالای تولیدی عرضه می‌شود که حاصل کار خانوارهایی

است که در کارگاه‌های کوچک انفرادی در شهرهای سین کیانگ تولید شده است. کالاهایی که در این مراکز خرید عرضه می‌شوند شامل: لباس‌های محلی، کلاه‌های سنتی، چاقوهای قومی، زیورآلات محلی، صنایع دستی اقوام، آلات موسیقی محلی و قومی، میوه‌های تازه و خشکبار، داروهای سنتی اویغوری، قالی‌های اویغوری، پارچه و دیگر تولیدات. اکنون اینجا مرکز اصلی توزیع صنایع دستی پس از مرکز خرید سوندای در کاشغر و ختن است.

این سه مرکز خرید (بازار) با یکدیگر و در کنار هم بهترین و دیدنی‌ترین مکان‌ها برای گردشگران است که نمی‌توانند همه سین کیانگ را به سبب محدودیت مکانی و زمانی ببینند. اکنون این سه بازار پنجره‌ای برای شناخت سین کیانگ به گردشگران است.^۱

با ترکیبی از سفر، تجارت، غذاخوری، هنر قومی و خرده‌فروشی با هم، بازار بین‌المللی سین کیانگ نقشه کانونی و صحنه‌ای از دایره تجارت در ادائو قیائو بشمار می‌آید. این شاید بزرگترین بازار در جهان باشد که با تجهیزات بسیار پیشرفته ساخته شده باشد.



صحنه‌ای که هنگام تماشای رقص در این تئاتر گرفته‌ام

بازار در زبان عربی [فارسی] و اویغوری که به معنی مرکز خرید است، نشانه‌ای از توسعه اقتصاد

^۱. Xinjiang International Grand Bazaar:
www.xinjiangtrarel.com

محلی و مرکز خرید است. این بازار حدود ۱۰۰ هزار متر مربع را در بر می‌گیرد و در آن ۳۰۰۰ فروشگاه صنایع دستی، میدانی به وسعت ۳۰۰۰ متر مربع، تالار پذیرایی به گنجایش ۱۰۰۰ نفر، یک برج به بلندی ۸۰ متر، مسجد زیبا و بیش از ۵۵ آسانسور و بالابر، قرار دارد. از نظر تجهیزات و فضای فرهنگی، در کیفیتی عالی قرار دارد. بازار بین‌المللی خین جیانگ از شش گروه ساختمان تشکیل شده است.



خاکی، رنگ غالب این فضاهاست و برخی از عناصر یونانی، روم باستان، آسیای غربی و خاورمیانه‌ای درهم آمیخته، بازاری ساخته‌اند که ساختمان‌های شاخصی را در ارومچی پدید آورده‌اند. اینجا محلی برای جذب گردشگران و نمایشگاهی از تولیدات سین کیانگ است، سبک معماری اسلامی که جاده ابریشم شکوفا را در چین باستان به نمایش می‌گذارد و بازتاب فرهنگ قدرتمند محلی است، سبک منطقه غرب باستان را دارد. هر کس می‌تواند در اینجا به میل خود خرید کند. در طی ساعات روز، انبوه جمعیت و کودکان در اینجا گفت و گو و بازی می‌کنند، و هنگامی که شب فرا می‌رسد، نورپردازی و فواره‌های رنگینی با موسیقی، زیبایی آن را دو چندان می‌کند و هر کس می‌تواند از نمایش زیبا و دل‌فریب «داوازی – Dawazi»، چرخ و فلک‌های سرگیجه آور، لذت برد.

نخستین برج دیدنی از صنایع دستی اویغوری ساخته شده است، و از فرسکوهای تزئینی پوشانده شده که در بیرون کنده کاری شده است. در درون برج یک بالابر مستقیم کار می کند که بازدید کنندگان را به پائین می برد که «حماسه منطقه غرب» نامیده می شود. تئاتر بزرگ این مجموعه، همان طور که گفته شد، دارای سالن تئاتر و پذیرایی است که مهمان نوازی، ملیت اویغور را به نمایش می گذارد. این تئاتر می تواند پذیرای هزار نفر با تالار روماتیک اروپایی باشد، با میزهای دراز و فرش قرمز، شمع های روشن، ظروف نقره ای و غذاهای خوش مزه گوناگون. غذاهای سبک قابل توصیه در بازار شامل کلوچه بسیار خوش مزه «آبولا»، نودل های روغنی با گوشت، شیشلیک گوسفندی، نودل های سرد، پاچه گوسفند، سمبوسه های گوشتی، ماکارونی های غوطه ور در گوشت، پلوهای مخلوط خوشمزه، خمیرهای پیچ دار.

تپه سرخ (هونگ شان) [قیزیلتاغ]



تپه سرخ نماد شهر ارومچی است، به سبب یگانگی و یکتایی خود. بدنه کوه، که از صخره های aubergine تشکیل شده به رنگ قهوه ای تریچه ای است، که نام آن از همین رنگ گرفته شده است. این تپه ۱/۵ کیلومتر طول دارد و یک کیلومتر عرض. از شرق تا غرب کشیده شده است. حدود یک کیلومتر دورتر، تپه «یامالیکه» قرار دارد که مشرف بر تپه سرخ است. افسانه ای است که گفته می شود در دوران باستان یک ازدهای سرخ از «دریاچه بهشتی» سرازیر شد و امپراتور یس بهشتی آن را گرفته و با شمشیر به دو نیمه کرد. پس از آن نیمه شرقی ازدها به تپه یامالیکه و بخش شرقی به

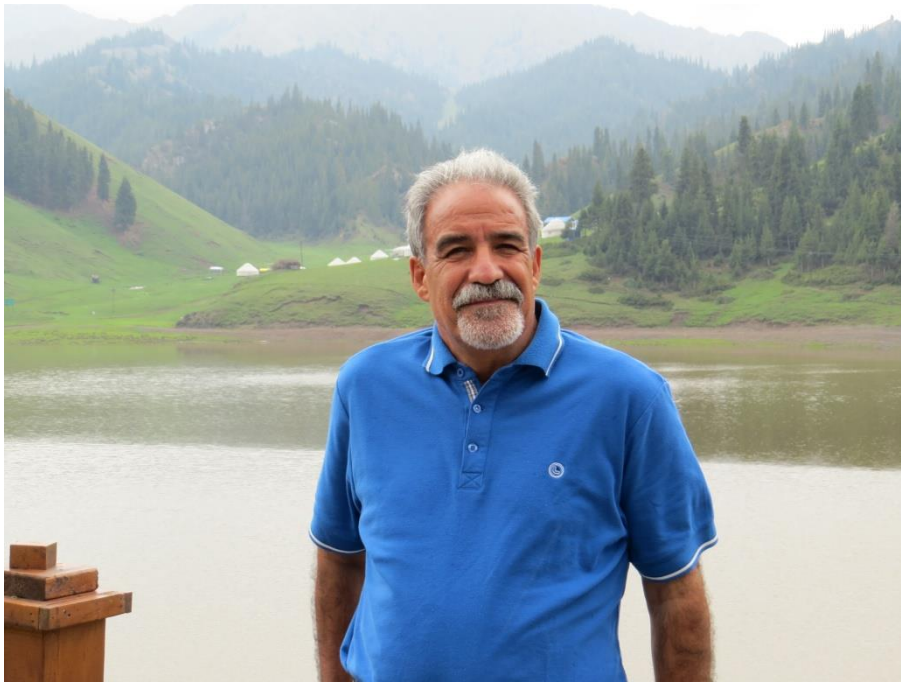
تپه سرخ تبدیل شد. شمشیر خود نیز به رود ارومچی تبدیل شد. به طور اعجاب‌انگیزی، تصاویر توپوگرافیک نشان می‌دهد که دو تپه در آغاز ساختاری واحد داشتند و در اثر گسست لایه‌ها به دو قسمت تبدیل شده‌اند. سرانجام، افسانه کهن، به زندگی واقعی تأثیر بخشید. در سال ۱۷۸۵ و ۱۷۸۶، سیل‌ها به ارومچی هجوم آوردند و ویرانی بسیار به جا گذاشتند. شایعاتی پراکنده شد که تپه‌های سرخ و یامالیکه دارند بهم نزدیک می‌شوند و بهم می‌چسبند. روزی آنها به هم می‌رسند، رودخانه ارومچی در بین آنها بسته می‌شود و شهر سیلابی خواهد شد و آنها بر خواهند خاست. بنابراین در سال ۱۷۸۸ «شانک آن»، افسر عالی‌رتبه، بر آن شد تا «ژن لونگ» (به چینی، اژدها را رام کردن) و پاگودا (ساختمان به سبک مخصوص چین) را بر روی هر تپه بنا کند. این هر دو پاگودا از آجرهای خاکستری ساخته شدند، به بلندی ۱۰/۵ متر و با شش ضلع، ۹ طبقه و یک سقف ۸ ضلعی.

امروزه، یک پارک بسیار زیبا تپه سرخ را در بر می‌گیرد. امکانات تفریحی مدرن و نمایش‌های قومی، فضای زنده و شادابی را بر تپه جاری کرده است. از فراز تپه، می‌توان تمام شهر را در جلوی چشم خود دید.



دریاچه بهشتی

در میان قله بوگدا، ۱۱۰ کیلومتری شرق ارومچی، دریاچه بهشتی واقع شده است. این دریاچه مساحتی برابر ۴/۹ کیلومترمربع و هلالی شکل، مروارید کوهستان بهشتی (کوهستان تیان شان)، سزاوار چنین نامی است. دریاچه با آب برف تغذیه می‌شود و دارای آب زلال است. در تابستان، این مکان زیبا یک استراحتگاه خنک و مطلوب است. قایقرانان در آن کوه‌های نقره‌ای همیشه متغیر را می‌بینند و در بی کران آسمان آبی اوج می‌گیرند، دامنه کوه‌های پوشیده از سبزه و چمنزار و گل‌های وحشی زرق و برق‌دار چشم را می‌نوازد. ماهیگیری در اسکله‌ها فریبنده‌گی خود را دارد. یک روز در این سرزمین افسانه‌ای تجدید قوا را به ارمغان می‌آورد.



در ساحل دریاچه بهشتی

اگر زیبایی طبیعی دریاچه بهشتی کافی نبود، با یاد آوری افسانه‌ها، تماس اسرارآمیزی را می‌توان لمس کرد. گفته شده است که ملکه غرب (خی وانگ‌مو)، امپراتور «کینگ مو» از سلسله ژو غربی (۱۱۰۰ تا ۷۷۱ پیش از میلاد) را در اینجا سرگرم می‌کرد. ملکه غربی عاشق شاه شد و از او با شعر خود پرسید:

«ابرهای سپید باد آورده هنگامی که کوهستان به آسمان آبی می‌رسد،
با گذر از هزاران کوهستان، با گذر از هزاران رود،
تو به سوی ما می‌آیی
از یک جایی دور دست.
اگر هنوز قوی و شاداب هستی،
آیا دوست داری دوباره به سوی ما برگردی؟»
پادشاه پاسخ او را به شعر داد:
«پس از اینکه به چین مرکزی بازگردم و مردم را به یک زندگی مرفه رهنمون شوم،
من دوباره به سوی تو باز می‌گردم.»
ما نمی‌دانیم که چرا پادشاه هیچگاه برنگشت. تنها دریاچه باوقار و کوه‌های خاموش شاهد
دلدادگی ملکه غرب بودند!.

